

کارگران جهان متحد شوید!

۱۲۷

# سکار

سازمان یسکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۰ - شماره ۳۰۰

## انقلاب پرشکوه

### کارگران و زحمتکشان ایران

### رژیم جمهوری اسلامی را به

### گورستان تاریخ خواهد سپرد!

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی،  
 ناقوس مرگ رژیم را به صدا در آورده است

## مرگ آنان سرود سرخ رهایی را رساتر کرد!

۱- رفیق شهید محمود حسینی مقدم (سعید)  
 ۲- رفیق شهید قریب زانی (برزو)  
 ۳- رفیق شهیدها شم کرمی  
 ۴- رفیق شهید اساعیل حسن وند

## سخنران اخیر وزیر خارجه امپریالیسم آمریکا و افسانه ضد امپریالیست بودن رژیم

چندی پیش الکساندر هیکوزیر  
 امور خارجه دولت امپریالیسم آمریکا  
 و یکی از بهترین سیاستمداران  
 آن، در مصاحبه ای پیرامون اوضاع  
 ایران اعلام کرد، که "دولت آمریکا  
 سیاستها را تعقیب میکند که منجر  
 به روی کار آمدن رژیم مباحه روشی  
 در تهران شود که با منافع و ارزشهای  
 آمریکا سازگار باشد". این گفته  
 "هیگ" مطابق معمول، از جانب  
 محافظ مختلف رژیم ارتجاعی  
 جمهوری اسلامی، رویزونیست ها و  
 سوسیال امپریالیستها، با تبلیغات  
 و مباحه های فراوان بعنوان "شاهدی"  
 دیگر بر عظمت "فدا امپریالیستی"  
 رژیم جمهوری اسلامی و ضدیت  
 طبقاتی امپریالیسم آمریکا با آن  
 از این زاویه، علم گردید و تبلیغات  
 عوام فریبانه ای پیرامون آن مباحه  
 شد. بطور کلی، وجود تظاهرات مبعینی  
 عقبه در صفحه ۲

### مقاومت انقلابی نغمه تکران مبارز پالایشگاه

در صفحه ۳

### کارگران سایپا در مقابل یورش ارتجاعی

در صفحه ۴

### بندر عباس: یورش ارتجاع حاکم به دهکده داران زحمتکش

بفیه در صفحه ۱

### شهادت سه رفیق پیشمرکه قهرمان در کامیاران - برگ دیگری از جنایات حزب دمکرات و مزدوران رزگاری

در صفحه ۲۵

در این شماره می خوانید:

اعتراض دسته جمعی کارگران اتاق سازی بنز خاور  
 در صفحه ۳

گزارشی از کارخانه سایپا  
 در صفحه ۴

رویزونیسم آراسته پانوماریف و بازتاب آن در میان سائترستها (۴)  
 در صفحه ۶

بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر و استقرار  
 حاکمیت شوراهای  
 در صفحه ۱۲

سرخگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

بفیه از صفحه ۱ صفحان ۵۵۵۵

میان امپریالیسم آمریکا و ارتجاع  
ما کم بر ایران و شکل گیری پیوستگی  
بحران سیاسی در مناسبات و روابط  
دیپلماتیک و سیاسی آنها، همواره  
بمعنای یک ابزار هوا فیریا نموده  
برای پراکندن توهم "صلحت فساد"  
امپریالیستی رژیم در میان  
توده ها و نه تنها توده ها بلکه حتی نیرو-  
های آگاه، مورد بهره برداری های فراوان  
قرار گرفته است. در یک تحلیل عمومی،  
این تنها شکر در رژیم ایران نیست،  
بلکه رژیم های متعددی که ویژگی  
آنها، دارای بودن نوعی "فاسد"  
و ایستگی آشکارا سیاسی است.  
امپریالیسم است، و با سوسیالیسم  
امپریالیسم شوروی و کشورهای  
وابسته به آن، که تظاهرات آن با  
امپریالیسم آمریکا از نوع تضادهای  
درون امپریالیستی است. از این  
وسله برای پوشاندن ماهیت ضد  
انقلابی خویش و پوشاندن لیبسالی  
ضد امپریالیستی برپیکر کرده و  
ارتجاعی خویش سود میجوینند،  
کشورهای از نوع لیسی یا موریه  
و الجزایر، و از این قبیل اند،  
این کشورها در حالیکه وابستگی -  
این هرمان اقتصاددی به سرمایه -  
داری جهان غرب دارند، و سوسیالیسم  
مناسبات امارتباری با سوسیالیسم  
امپریالیسم شوروی ایجاد کرده اند  
و در حالیکه نقش عمده را در سرکوب  
وابستگی رکارگران و زمین کشاورزان  
داشته و کوچکترین اعتراضات آنها  
را بشکل وحشیانه ای سرکوب  
میکنند و بدترین نوع خفقان را در  
کشورهای خود برقرار ساخته اند،  
ما کم ضد امپریالیستی و مردمی بر  
چهره زده و این فریبکاری و پوشش  
ضد امپریالیستی را به وسله ای برای  
ادامه عیقا و حیات سرمایه داری  
جهانی بطور کلی و در کشور خود بطور  
مشخص تبدیل نموده اند. رژیم  
لیسی در حالی دم از مبارزه بر علیه  
امپریالیسم میزند که تا روپسود  
اقتصادی اش بطور مریان به  
کارتهای نفتی امپریالیستی  
وابسته است. الجزایر در حالی دم  
از مبارزه ضد امپریالیستی میزند  
که بطور مثال در همین یکسال گذشته  
بزرگترین قرارداد دگازی جهان را  
با نرخ بسیار پایین تری از نرخ  
متوسط بین المللی آن با امپریالیسم  
آمریکا است. بطوریکه حتی سرودهای  
هوادران اروپا قری خود را که آن  
را رژیم "ضد امپریالیست" قلمداد  
میگردند، در آورد و سوریه، اسپان  
رژیم با اصطلاح ضد امپریالیست، هنوز  
بیش از ۶۰ درصد مرادوات اقتصادی  
- اش با امپریالیستهای غربی  
است و سیل کالاهای مصرفی و نیمه -  
ساخته سرمایه داری غرب، بطور  
مداوم و در ایادی فزاینده به دست  
این کشور سر از بر است. و اینها همه

جلوه های از مناسبات اقتصادی  
آنها با امپریالیستهای غربی  
است که خود را رسا رزها آنگه  
میرنموز و خود بخوان حدیث فاسد  
از این عمل،  
اولا کشورها را از این دست  
یکی از "راه عمل"ها می آید که  
بر ما چه داری جهانی، چه نوع غربی  
و چه نوع شرقی آن، برای فلسفه  
بحران سرمایه داری و جلوگیری از  
انهدا چکا چل آن و برای حفظ  
حیاتش، در اینها متوجه میشود. دوست  
هما نظری که در طول تاریخ، معاصر  
اروپا، سوسیالیسم، و سوسیالیسم  
درجه اطمینان می جزای فروشانند.  
بحران انقلابی در کشورهای ملوک  
غرب، حاصل میگردند، در مناطق مختلف  
او کمتری بحران انقلابی و اقتصادی  
در این حوزه و مناطق به سبب  
غیرش بوده ای. و انقلاب، با درامتن  
داشتن یک سری فرجه ها، با به میدان  
گذاشته است تا داری کفا بخشی  
برای نجات سرمایه داری و بحران  
درونی آن باشد که اکنون نیز به  
نظر میرسد. اروپا میروند که جنبش  
حالتی را چیده (تجزیه کند) و دوست  
هما نظری که نسبت کشورهای سوسیالیسم  
اصطلاح "تجزیه و تفکیک" میروند. در  
میلاد، در واقع، با طرفه انحصاری  
گشادن موج مبارزات او کمترند  
پس از جنگ دوم جهانی با تجرگشایی  
نه شرقی - نه غربی و در واقع نه  
کمونیسم، نه امپریالیسم، شکل  
گرفت تا به تکیه بر مبارزات توده  
ها را به سوی انقلاب و سوسیالیسم  
جهانی، متوالف ساخته و در شکل  
ظرفیت و میلانه تری از گسستن حلقه  
زنجیر کشورهای سرمایه داری - جلوه  
گیری کرد. در این کشورها، در ملوک  
امپریالیسم، نگا به درامتن  
حامل رویا نگا به سرمایه داری  
با اصطلاح "تجزیه و تفکیک" میروند.  
و وابسته به ملوک های مختلف  
امپریالیستی هستند و با اصطلاح  
نوعی استقلال نسبی جهانی، در  
اردوگاه ارتجاع جهانی خویش را  
حفظ کرده اند، میخوان مختصرا و  
مضمون واقعی این جهت، "نفسه  
خرقی - نه غربی" را مشاهده کرد.  
سرمایه داری جهانی، مبارزندگان  
به چنین رژیمها و نهضت های  
نیاز دارند. آنها را جمع میکند تا  
با از دست دادن برخی مناسبت  
تا گشایی و حتی مهم، منافعی  
واستراتژیک و سیاسی خویش را در  
هر سه کشورها جهان حفظ نماید  
در همان حال که با این کشورها دارای  
تضادهای عمیقی نیز هستند. تا آنجا  
که به امپریالیسم غرب مربوط می -  
شود (به ویژه امپریالیسم آمریکا)،  
این سیاست آنها "مجاز" است که  
اولا در این کشورها، امکان ایجاد  
و با حفظ و بقای یک رژیم گاملا  
وابسته و مزدور و گاملا مطلوب وجود

نداشته و بدون آنها، این رژیمها  
ستوانند بحران سیاسی را از میان  
برده و "نیاز" را به کشورهای زگردانند  
و انقلاب را فرو بیاختند، و با فاش شدن  
این رژیمها در اردوگاه امپریالیسم  
غرب همچنان باقی بمانند و به دست  
اردوگاه رقیب یعنی سوسیالیسم  
امپریالیسم شوروی غلبه دومین  
فرقیب "رقیب امیر" ما مسلک وی  
ما کم نگردد.

در مورد رژیم جمهوری اسلامی و  
مناسبات سیاسی با امپریالیسم  
آمریکا با آن نیز، همین اصطلاحها  
طبق میکنند. یکی ضمیمه رژیم  
جمهوری اسلامی، از ابتدای استقلالش  
نسبت به رژیمها، رژیم ایالات  
کاملا مطلوبی برای امپریالیسم  
آمریکا نبود، اما منافعی استراتژیک  
آمریکا و نیز منافعی برای موجوده  
و ترکیب ایضا می قدرت سیاسی و  
نفتی و جایگاه امپریالیسم ایران با  
صگرد که در آخرین لحظات جنگ رژیم  
سلطنت، آمریکا به پای امپریالیسم  
مبارز تا بهایی برای استقرار رژیم  
جمهوری اسلامی، برود و چنین نتیجه  
عوضی از این استقلال را نیز امپریالیسم  
آمریکا، با هر نظری که باشد، میروند.  
خواهیم که گاه نفوذ آن در  
پشتیبانی از این رژیم دست باز  
آنها گشتن زمان، به تدریج، منسب  
و اهمیت روشن شد که بحران سیاسی  
جامعه ایران، بحران رویه اغسول  
خجسته بلنگه ادا به ما غنور رژیم  
جمهوری اسلامی، تا در به پیوستن آن  
نسبت، در کنار این واقعیت تغییر  
تغییرات سیاسی، غیر و های درون حکومت  
به زبان امپریالیسم که تا جمل آشکاره  
امپریالیسم غرب را غنور و در طول  
حیات تا بحال خود در دوره دولتیست  
بوقت به بهترین وجهی این را به  
تغییرات گذارنده بودند، و به تدریج جناح  
حزب جمهوری اسلامی، که خواستار  
تغییر در میان ملوکهای امپریالیستی  
بوده و حتی گرایش نیروی ضدی در آن  
نوعی تا جمل به امپریالیسم شوروی  
را ضمیمه میگردند، نیز متدریج  
امپریالیسم غرب را به دست تمام  
بیشتر با رژیم جمهوری اسلامی، و  
دست خجسته از همان دست ازان و  
دل جستن به یک حکومت میانرو  
که در واقع شرایط به گانه فوق را  
به جامعه ایران ما زگردانند، سوری  
داد و با این تغییرات همان مقطع  
سطرت که برآورد یک بحران  
دیپلماتیک در مناسبات رژیم ایران  
و آمریکا بود، شکل گرفت، منسب  
درست از همان زمانیکه رژیم جمهوری  
اسلامی، به یک رژیم برای جرفش  
عواطفیانه برای جلوگیری از سیر  
رویه انحطاط با یکا هت در میان  
توده ها از یک سو و تفسیر حساب میان  
دو جناح اصلی حکومت از سوی دیگر  
بود، مناسبت نگردد. این نتیجه در  
بفیه در صفحه ۱۲

### مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



### اعتراض دسته جمعی کارگران اتاق سازی بنزخاور

قسمت اتاق سازی شرکت اتومبیل سازی بنزخاور شنبه ۶۰/۸/۳ از کار دست کشیده و یکبارجه بطرف "شورا" رفته و خواهان افزایش "حق نهار" و "پورسانت" و گرفتن "حق نهار" ماه گذشته میشود. اعتبار دسته جمعی کارگران بنزخاور روز طول میکشد بطوریکه تولید کارخانه نمف میشود. حرکت اعتراضی و اعتراضی کارگران در دونوبت دیگر با درجه کمتری تکرار میشود و کارگران با کم کاری و زدن پ تولید به مبارزه خود ادامه میدهند. شورا و مدیریت ضد کارگری که با اعتراض یکبارجه کارگران روبرو شده بودند از این پاسخ ظفره رفته و قرار است بعد از اصلاح بررسی به آنها جواب دهند. آنچه که اهمیت دارد اینست که این مبارزه در قسمت مونتاژ کارخانه در دوره اخیر که با بورژوازی فشرده رژیم جمهوری اسلامی مواجه است سابقه نداشته است. این حرکت دسته جمعی و قهرمانانه نشان میدهد که کارگران از خفقان و پاداران سرمایه نمي هراسند و برای حقوق حقه خویش حاضرند قاطعانه مبارزه کنند. آنچه که در این حرکت دسته جمعی اعتراضی کارگران قسمت اتاق سنگین بنزخاور با بدبختی آن توجه کنند توضیح اهدافشان به کارگران سایر بخشهاست. آنها با بدبختی تمام کارگران کارخانه تماس گرفته و آنها را به اعتصاب همگانی فراخوانند.

مبارزه اگر فقط در یک بخش جریان داشته باشد دشمن آنرا نتواند متوجه آنرا شکست دهد به همین خاطر کارگران بنزخاور با معوقی متحد در مقابل شورا و مدیریت و پاداران سرمایه بدقت برابر بگیرند. لازمه مبارزه و مقاومت علیه سرمایه داران و دولت حامی سرمایه داران اتحاد طبقه ای و فشرده کارگران است.

### بجای وام مسکن کلوته پاسداران

مدها کارگر بعد از اینکه

شنیدند رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میخواهد به کارگران وام مسکن بدهد به بانک رفاه کارگران کرج مراجعه کرده و خواهان وام میشوند. کارگران که جز استعمار بیشتر چیزی عایدشان نشده است و فاقد رفاه زندگی میباشند و بارها در تجربه خود دیده اند که رژیم جمهوری اسلامی نه مان میدهد و نه ممکن این بار نیز برای مسکن به کارگران رژیم رجوع نمودند. البته کارگران چندان آمیدی نداشتند که دولت سرمایه داری به همه کارگران وام مسکن دهد ولی بهر حال یکبار دیگر با بد تجربه میگردند و می دیدند که رژیم حاکم، دشمن کارگران است. مسئولین دولتی و پاداران سرمایه که با تجمع مدها کارگر بی مکن روبرو شده بودند و احتمال آیین را می دیدند که آنان به تحمیل دست زنند. به سر نیزه متوسل میشوند. کارگرانی که در انتظار وام بودند با تفنگهای ژ-۳ پاداران مواجه میشوند. مدافعین سرمایه داری به کارگران شلیک میکنند و در این حمله ضد انقلابی یک کارگر قهرمان به شهادت میرسد و ۳ کارگر دیگر زخمی و مجروح میگردند. کارگرانی که در مقابل بانک تجمع نموده بودند در مقابل خیراندازی شدید پاداران جنایتکار با کینه ای بس بزرگ علیه سرمایه داری و رژیم حاکم متفرق میشوند.

انعکاس این واقعه در کارخانه نجات نزدیک به کرج بخصوص کارخانه "لندور" بسیار زیاده بود. کارگران "لندور" در طی دوروز دوباره مسکن و کشتار کارگران توسط پاداران رژیم محنت میگردند. کارگران میگفتند: "اینها در حرف دم از مستضعف میزنند در حالیکه خودشان مخالف سر سخت ما هستند" و پس در خطاب به دولت حاکم میگویند: "اگر شما طرفدار مستضعف هستید چرا بجای وام کلوته به ما میدهند. در حقیقت کارگران با این سخنان افشاگرانه ما هیت ضد کارگری رژیم را بر ملا کرده و روحیه همبستگی طبقاتی با سایر کارگران را اینها پست میگذارند. آنها جم غفله انقلابی پاداران به کارگران یکبار دیگر نه تنها به کارگران تجمع کنند بلکه بغلاوه به کارگران دیگری که در جریان این واقعه قرار گرفتند نشان داد که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی قادر نیست خواسته های حق طلبانه کارگران را پاسخ گوید و جرئتوا استعمار بیشتر و جگر کلوته جبر دیگری به کارگران میدهد. آزادی واقعی کارگران فقط و فقط در سوسیالیسم است.

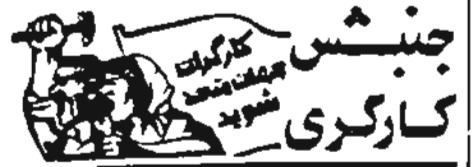
### یورش ارتجاع به کارخانه "دیو"

روز پنجشنبه ۶۰/۷/۱۶ بعد از پایان کار وقتی کارگران سوار سرویس شده و میخواهند کارخانه را ترک کنند، دژبان در مانع از این کار شده و کارگران از ساعت ۱۱/۵ تا ساعت حدود ۲ معطل می باشند و هر چه علت را جویا میشوند کسی به آنها جواب نمیدهد. بالاخره کارگران آن بهور آنکه دلیل دوما علت معطلی را بفهمند اجازه می مانند که به خانه بروند. کارگران روز شنبه که به سر کار می آیند متوجه میشوند که ۶ تن از کارگران مبارز کارخانه را دستگیر کرده و به زندان اوین برده اند. (البته در اوایل همان هفته دو تن دیگر از کارگران را دستگیر کرده بودند) کارگران دیدند که تمام مدها شکسته و ماری شده اند. از آن روز به بعد جغرافی در کارخانه حکمفرماست. در ورودی بدن تمام کارگران را میگردند و با آنها را کنترل میکنند. در همین ساعت کارکنان دیگر نمیتوانند به کارگاههای دیگر رفت و آمد کنند. تمام توالیها ما مورد ارد، برای مدها قفل جدید گذاشته اند و یک کلید مدها را پیش خود نگاه میدارند تا در موقع ضروری به یازسی مدها بپردازند و غیره. کارگران کارخانه شیدا بست به این جو خفقان و یورش ارتجاع اعتراض داشته و دستگیری دوستان کارگر خود معتزمی میباشند.

### مقاومت انقلابی نفتگران مبارز پالایشگاه

چنانکه در خبرنا ماه ۱۶ آمده است: با صدور اطلاعیه ای از سوی عرصی جلاد مبنی بر افساد شدن ساعت کار به ۲۴ ساعت در هفته و لغو تعطیلاتی پنجشنبه ها و همچنین قطع حق کارگاهی، صدای اعتراض نفتگران مبارز از هر سو بلند میشود و اکثریت کارکنان پنجشنبه به سر کار حاضر میشوند. اینک رژیم که در مقابل مبارزات دلآوران نفتگران مبارز در مانده و زبون گردیده است جماعتی تهدید خود را از آستین دادگاه انقلاب اسلامی شراز بیرون آورده و بخش نامه ای صادر کرده است که اگر کارگران در سر کار حاضر شوند چنان و چنین جواریم کرد و اخراجشان خواهیم کرد!

در تاریخ ۶۰/۷/۸ روی قسمت های مختلف نامه بیدادگاه ضد انقلاب را آورده و برای کارکنان



هر مست خواندند (متن نامه در همین خرنما آمده است) در بالای نامه جمله‌ای با این مضمون نوشته شده بود که "بخشنا ما را خوانده و امضاء بفرمائید" رویای مزدور که از پایداری کارکنان برای حفظ حواسته بحق خود و نفرت علیه مزدوران حکومتی بجویی اطلاع دارند به ربا کاری متوسل شده و اعلام میکنند که امضاء برای این است که با اصلاح نامه را شایسته اند و نه اینکه متن آنرا هم قبول دارند. و بدین وسیله عده‌ای را گول زده و از آنها امضاء میگیرند. در این میان نماینده شورای اسلامی که یک خاشاک توده‌ای است به حوش رقیمی پرداخته و با تویل به همین جمله سعی میکند از کارکنان امضاء بگیرد. اکثریت کارکنان متن مذکور را معانکرده و در ساعت ۳/۳۰ دقیقه همین روز هنگامیکه کارکنان میخواستند به خانه بازگردند یک زاندارم مسلح بدست و یک گاردی در مقابل جاده ایستاده و به اتوبوسها اجازه حرکت نمیدادند. بعد از چند دقیقه یک جیب اتوبوس تعدادی پایداریها را ملحق شده و دم در پالایشگاه ایستاده و بداخل یک اتوبوسها رفته و به کمک یکی از انجمن اسلامیهای پالایشگاه، اما می عده‌ای را خوانده و در حدود ۲۵ نفر از کارکنان مبارز را دستگیر کرده و با خود میبرند!

از رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی که هر روز خون پاکش را بر سر فرزندان کارگران و زحمتکشان را بجرم دفاع از آزادی و انقلاب بر زمین می‌ریزد بیش از این انتظاری نیست! سرمایه داران خونخوار که از شیر جان زحمتکشان کسبه گستاخ خود را بر می‌کشند باید که کارکنان مبارز را صدا بقلای بداید و دست آنها را اخراج کنند!

نفتگران انقلابی!! متحد و یکمدا، مبارزه برای کسب خواسته بحق خود ۴۰ ساعت کار در هفته را کمترش داده و بیگیرانه برای آزادی همکاران دربند خود و بازگشت کارکنان اخراجی به سرکار به مقاومت براهیم.

کارگران طبیعی باشند ولی کارگران آگاه و وظیفه دارند که اعتراضات و مبارزه کارگران را از این مسیر تغییر داده و به سطح مبارزاتی وسیعتر و عمومی تر نظیر کم کاری و مقاومت عمومی در مقابل افزایش تولید و... برسانند.

مدیریت کارخانه وانجمن اسلامی که برای تفرقه انداختن در میان کارگران و شکست مبارزات آنها و جلوگیری از حرکت دسته جمعی و عمومی کارگران کارخانه مرتباً به شایعه پراکنی در کارخانه می پردازند، میگویند تا از این طریق مانع مقاومت عمومی کارگران در مقابل افزایش تولید گردند مثلاً بین دو قسمت نقاشی و خط تولید مرتباً بوسیله انجمن تفرقه اندازی میشود. اما افشای دانشی این توطئه‌های ضد کارگری انجمن و مدیریت و... بوسیله کارگران آگاه کارخانه زمینیه مناسبی برای خنثی کردن آنها و برعکس ایجاد تشکل و همبستگی در میان کارگران کارخانه خواهد شد. کارگران مبارز و آگاه ما باید با تماس دانشی تا کارگران قسمتها بطوریکه از جمع عوامل رژیم محلی بمانند، میتوانستند با اتحاد کامل کارگران را فراهم کنند و مبارزات دسته جمعی آنها را تدارک ببینند.

### گزارشی از کارخانه سایپا

پورش سراسری و سرکوبگرانه رژیم ارتجاعی به انقلاب و حرکات حق طلبانه کارگران، در کارخانه سبتروشن (سایپا) بدنمال بگیر و بیندهای قبل از ۳۰ خرداد انجام شد.

قبل از این تاریخ که کارگران با یک حرکت عمومی ناراضی مکنسی عمیق خود را از مدیریت عامل مکنسی رژیم بنام "کانونی" بصورت حرکت انفجاری تکتک زدن و سیرون انداختن او از کارخانه صورت داده بودند، بدلیل اینکه اقدامی علیه مزدوران رژیم سرمایه داری حاکم از طرف کارگران غیرمنشکل یک کارخانه بود بزودی با دستگیری ستر از ۳۳ نفر و بازجویی های بعدی از تعدادی دیگر از کارگران کارخانه و محمولی با اخراج و براندازی نمودن تعدادی از آنان، سرکوب شده و تفرقه در میان کارگران سایپا بیشتر شد. این شرایط میباید مناسبی برای فعالیتهای ضد کارگری و ارتجاعی رژیم و عمالشی در کارخانه از قبیل "انجمن اسلامی" شورای اسلامی و مدیریت و... باشد. کارخانه سایپا به پایداری از این کارگران سایپا که تا قبل از این دجا خوشبختی نسبت به حکومت بودند و این خوشبختی شان با

آن می برند، با آنها هم سرکوبگرانه و وحشیانه آن که از تاریخ سی ام خرداد بصورت موحی از اخراجها و دستگیری و زندان و اعدام مشخص شد، تقریباً آخرین بقایای توهمنشان هم زدوده شد و چهره کربسه سرمایه داری و وابسته را بریان تر دهنند. موج ناراضی ها در کارخانه عمومی است و این نفرت و کینه کارگران بخدی است که غالباً در برابر انفجار دفتر حزب جمهوری و انفجار ریخت وزیری و ترورهای عناصر منفور رژیم، ابراز شهادی میکنند و تقریباً اکثریت کارگران آرزوی مرگ و نابودی سرمایه داران رژیم را در دل دارند. کارگران این کارخانه در صحبت های خود نشان میدهند که دیگر کوچکترین امیددی ندارند که بهبودی در وضع حالشان بوسیله حکومت جمهوری اسلامی ایجاد شود. شاید این موضوع را از دهان حزب الهی های کارخانه بهتر بتوان دریافت: تعدادی از حزب الهی ها هم میدانند از رژیم حاکم قطع شده و میگویند "مگر ما زمان بیا بدو اوضاع مملکت را درست کند و گرنه کسی نمیتواند این وضع را درست کند". میزان نفرت و کینه کارگران را از روی شعارهایی که روی درودیاوردست شونی ها و توالتهای کارخانه نوشته شده و اکثری با مفهوم "سرگ بر خمینی می باشد بر اعنی میتوان پی برد. اخیراً مزدوران رژیم مجبور شده اند که تمام دست شونی ها و توالتهای را نقاشی کنند ولی بقول توده های انقلابی "سنگ با رنگ پاک میشود".

اما با وجود این روحیه ناراضی و ممترض عموم کارگران، بدلیل نبود هیچگونه تشکلی در میان کارگران و ضعف آگاهی مبارزاتی کارگران، این اعتراضات اغلب بصورت فردی و ابتدائی و بشکل "خرابکارانه" ظاهر میشود. چنانچه از بعد از ۳۰ خرداد با بنظر چندین مورد خرابکاری در دستگاهها و تولیدمشا هده شده است از قبیل قاضی کردن آب با دود و نتیجه خوابیدن بمدت ۲ ساعت کنار دستگاههای بادی کارخانه، البته انجمن اسلامی در این مورد یکی از کارگران را که بنظر عموم کارگران کارخانه بی ارتباط با خرابی دستگاهها بوده است دستگیر نموده است و بمدت ۶ ماه زندانی برایش بریده اند.

مواردی از خرابکاری احتمالی مثلاً پوست خربزه گذاشتن در دستگاه نقطه جوش و خوابیدن تولیدمدت ۲ ساعت، خرابی دستگاه قیربازی و جرتقیلهای خط تولید و... البته بعلمت فشار کار بادی که کارگران وارد میشوند و وجود جوش و خفکان و ترس که ما روزه دسته جمعی را بسیار محدود میکند تا بدین نوع حرکات فردی و "خرابکارانه"

کارگران سایپا که ما بنام کارگران سراسری ایران در ظرف ۲/۵ سال حکومت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی روز بروز بیشتر پی به ماهیت ضد کارگری و استثمارگری

### کارگران سایپا در مقابل پورش رژیم ارتجاعی

کارگران سراسری ایران در ظرف ۲/۵ سال حکومت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی روز بروز بیشتر پی به ماهیت ضد کارگری و استثمارگری



وجود جولیبرالی در جامعه - بخاطر تفادین جناح لیبرالها و حزب - تقویت میشد. اقدامات سرکوبگرانه رژیم را که کاملاً وحشیانه دیدند دجا ربهت زدگی شده و تا مدتها سکوت بر کارخانه ها حکم شده بود.

تحت چنین شرایطی بود (در این کارخانه) که بورژوازی عمومی رژیم به انقلابی و کارگران در ۳۰ خرداد شروع شد و بنا بر این اقدامات فدکا رگری رژیم و عمالش در کارخانه از قبل تدارک شده و بوقوع پیوسته بود. برای مثال ساعت کارگاه ساعتاً ۲۰ ساعت در هفته بود به ۲۲/۵ ساعت کارخانه افزایش داده و از ۳۰ خرداد به بعد به دو شیفت کردن همان تعداد کارگران قبلی میزان تولیدات تولید رتبه را از ۴۰ تا ۶۰ به ۱۰۰ تا ۱۲۰ دستگاه در روز رساندند و بنا بر این از یک طرف تعداد کارگران کارکن را در هر شیفت نصف کرده و از طرف دیگر میزان تولید را دو برابر نمودند یعنی در واقع فشار کار را دو برابر کردند. این شیفت سخت کار را اغلب به بیروز دعواها می بین کارگران بخصوص بوسیله اقترادلمپن منجر میشود. کارگران ما بسیار خوبی می بینند که رژیم حاکم که فریب دماغ از مستضعفین و کارگران میزد چگونه با زهر چشم گرفتن از کارگران و سایر افراد گردن جو ترس و خفقان و بوسیله دستگیری و زندانی و اخراج و حتی اعدام نمودن کارگران مبارز کارخانهجات قصد سوزنی بیشتر و استعمار شدیدی تر و وحشیانه تری را دارد. و بدین ترتیب گرچه هر نوع مبارزات کارگران مواجه با شد رژیم فدکا رگری و فدا انقلابی جمهوری اسلامی میشود ولی در عین حال ما هیت سرمایه داری خود را به عموم کارگران آشکارا و سبک پرده نشان میدهد و در نتیجه خوش باوری عموم کارگران جزعنا سر سر برده و عقب مانده آنها نسبت به رژیم از بین میرود.

**انجمن اسلامی سایپا، مرکز توطئه و جاسوسی**

انجمن اسلامی سایپا که از حزبی ها و توده ای های منفور تشکیل شده است تعداد ۶۰ - هفت هشتاد و پنج روزها بعنوان یکه تاز

کارخانه عمل میکنند و نقش درجه اول را دارند بطوریکه حتی مدیریت و بسیج و سپاه پاسداران کارخانه (که ۸ نفر مسلح هستند) و شورای اسلامی همگی زیر علم انجمن و از طریق آن کارهای خود را پیش میبرند. انجمن اسلامی بطور علنی و فعال دست به هر کاری میزند و مسئله ای نیست که انجمن اسلامی از آن بی اطلاع باشد. انجمن نیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را در کارخانه اجرا میکند و با بکار گرفتن روشهای متفاوت، شدیداً استعمار کارگران، کاهش خواسته های اقتصادی و در آسودگی آنها، جلوگیری از رشد آگاهی کارگران و ایجاد تفرقه در میان آنها و مانع از متشکل شدن آنها را هدف قرار داده است. انجمن اسلامی کارخانه از هر طریق که بتواند بوسیله زور و ترس و ارباب و بوسیله فریب با تبلیغات مذهبی سخنرانان حزب الهی و عمال رژیم ارتجاعی سعی در موفقیت خود دارد. انجمن اسلامی و مدیریت مخالفین خود را که در سرپرستی سرکارگری و مدیریت باشند، جابجا نموده و عوامل خود را جای آنها قرار میدهد، یا اینکه با ترساندن آنها و با استفاده از تعدادین کارگران و این جماعت های سرمایه، سعی میکند آنها را مطیع خود نماید تا بلکه راحت تر به کمک آنها شیره جان کارگران را بکشد. انجمن اسلامی تا بتمام کجوترین مخالفتی را ندارد و عناصر فرمت طلب و فدکا رگری را هم که در شورای ارتجاعی کارخانه وجود دارند چشم ندانند و بهینند. گرچه شورای اسلامی و این عناصر لیبرال ما هیت فدکا رگری خود را مدتهاست به کارگران نشان داده اند و همیشه با انجمنی ها در سرکوب کارگران همکاری کرده اند ولی به دلیل اینکه حزب الهی نیستند از نظر انجمن اسلامی میبایست برکنار شوند به همین خاطر انجمن قصد دارد یک شورای مد در عهد حزب الهی را بوسیله وزارت کار در کارخانه بوجود بیاورد و او را کارگران در مقابل انجمن چگونه در چه وضعیتی هستند. اول اینکه انجمن اسلامی متفوق کارگران است و آنرا بمعنی کامل کلمه لانه جاسوسی می شناسند. چرا که هر روزها چشم خود می بینند که اعضای انجمن اسلامی در خط تولید و سایر رستوران و غیره علناً ایستاده و حرکات و حرفهای کارگران را دیده و میشنوند و گزارش میدهند. کارگران انجمنی ها را از خود نمی دانند و آنها را از میان خود رد نموده اند. اعضای انجمن در بین کارگران انگشت نما هستند و بطوریکه وقتی چند کارگر با هم صحبت میکنند که

محض دیدن یکی از افراد انجمن جاسوسی هم در غلام میدهند که "انجمن آمد" یا اینکه "حزب الهی آمد" که این خود طرد عنا صر انجمن از نظر کارگران نشان میدهد نفرت کارگران از انجمن اسلامی بحدی است که کمتر اتفاق می افتد کسی با آنها مراجعه کند و با اینکه با آنها وارد بحث شود و متقابلاً انجمنی ها هم دیگر برخلاف گذشته وظیفه آراش را برای خود قائل نیستند و خوب میدانند که دیگر دستشان برای کارگران روشن شده و آراش آنها در کارگران موثر نیست. اعضای انجمن حتی جرات نمیکنند با سرورس کارگران به خانه شان بروند.

علاوه بر جاسوسی در بین کارگران و رستوران پاسداران کارخانه برای دستگیری کارگران، انجمن اسلامی ما آنها دست به کارهای دیگری هم برای پیش برد اهداف خود میزند. برای مثال چند وقت پیش موقع نماز یک مرتبه انجمنی ها اعلام کردند که در "رستوران" تمسب کار گذاشته اند و مانع آمدن افراد به محل رستوران میشوند و ظاهراً برای گشتن بدنبال بسبب بوده است ولی کارگران می گفتند که این یکی دیگر از حیلله های انجمن اسلامی است که با این وسیله میخواهد گشتن لباس و اثاثیه کارگران را توجیه کند.

آوردن سخنرانان حکومتی و آخوندان وسیله دیگری است که انجمن اسلامی بر علیه کارگران و برای فریب آنها بوسیله تبلیغات مذهبی بکار میبرد. ما با این وجود به غیر از تعدادی از کارگران عقب افتاده کسی جذب فریبکاری و حیلله های آنها نمیشود و ما هیت واقعی انجمن در زند توده کارگران کارخانه بعنوان لانه جاسوسی و توطئه و خیانت شناخته شده است. کارگران ما بسیار دیده اند که انجمن اسلامی افراد بسیج کارخانه را که ظاهراً برای رفتن به جبهه جنگ تعلیم نظامی دیده بودند ولی عملاً برای سرکوب کارگران و نظا هرات خیا با نی نیرو ه های سیاسی و مردم می فرستد. افراد بسیج که جمعا ۳۶ نفر هستند هر شب ۸ نفرشان برای گشت به اتوبان تهران - کرج ما موریت میروند و در همین نظا هرات اخیر ما هیتین خلق در پنجم مهر ماه (یکشنبه) بصورت مسلح به خبا یا نهی شهر رفتند و یکی از آنها هم کشته شده بود. با این واقعیات کارگران ما بسیار ما هیت واقعی انجمن و بسیج را نه بنفع خودشان بلکه به نفع حکومت سرمایه داری حاکم میدانند.

# رویز یونیسفم آراسته پانوما ریف و بازتاب آن در میان سائتر یستها (۴)

## مسئله دوران و گذار مسالمت آمیز

ما تا بدینجا ثابت کردیم که پانوما ریف دشمن دیکتاتور پیرولتاریا و دمکراسی پیرولتری بوده و تئوری امپریالیسم لنینیستی را تعریف نموده است. او با پوئاندن تضادهای عمیق سرمایه داری مالی امپریالیسم را مشاطه گری کرده و انقلاب پیرولتری بمثابه نتیجه ناگزیر عصر امپریالیسم را نفی مینماید. پانوما ریف بر اساس خط مشی رویز یونیسفم - امپریالیستی خویش نمیتواند ضدیت خود با انقلاب سوسیالیستی و نیز با استقلال واقعی و آزادی راستین خلقهای جهان را به نمایش نگذارد. تنها کسانی میتوانند مدافع انقلاب پیرولتری و نیز استقلال و آزادی خلقهای ستمدیده به شمار آیند که دشمن سر سخت امپریالیسم باشند، تنها کسانی میتوانند پشتیبان انقلاب پیرولتاریا و خلقها باشند که با بورژوازی و امپریالیسم مبارزه انقلابی بر خیزند. دشمنی با امپریالیسم به مبارزه انقلابی برای نجات پیرولتاریا و برای خلقها و نابودی اسارت خلقها می انجامد. حال آنکه پانوما ریف نه تنها مدافع و ستایشگر امپریالیسم است، بلکه بملاوه آشکارا بر علیه انقلاب پیرولتری در کشور های سرمایه داری است و ستیزی ملی و اسارت زحمتکشان کشورهای تحت سلطه را مورد تأکید قرار میدهد.

همانطور که در قبل مختصراً بیان داشتیم پانوما ریف در برخورد به کشورهای سرمایه داری امپریالیستی بر آن است که در این کشورها که انقلاب قهرآمیز پیرولتاریا بر علیه بورژوازی بلکه همراه با بورژوازی مبارزه مسالمت آمیز با رولمانتاریستی بر علیه حاکمیت آنها را ت مطرح است. پانوما ریف در آداهای خط مشی سازش طلبانه منتقد است که در کشورهای تحت سلطه نیز میتوان بدون گذار از سرمایه داری و بدون انقلاب و جنگ طبقاتی به سوسیالیسم رسید. او مانند همه رویز یونیسفمهای خروشنفی سازش طلبانه و نفی انقلاب را فقط محدود به کشورهای سرمایه داری نمیکند، او این تفکر ضد انقلابی را بسط داده و آنرا بمثابه قانون مسدی عمومی تحولات جهانی و

منجمله کشورهای تحت سلطه در میآورد در نزد پانوما ریف سازش طبقاتی و ضدیت با انقلاب یک سیاست ایدئولوژیک عمومی را تشکیل میدهد که اگر وجهی از آن در رابطه با کشورهای سرمایه داری قرار میگردد وجه دیگر آن در رابطه با کشورهای وابسته مشخص میشود. به معنای دقیقتر اگر گذار مسالمت آمیز پانوما ریف را رولمانتاریسم در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی به معنای راه کسب قدرت و برقراری سوسیالیسم مطرح است، تئوریز رویز یونیسفم راه رشد غیر سرمایه داری، بمثابه طریقه کسب قدرت و ستگیری بسوی سوسیالیسم برای کشورهای تحت سلطه طرح گردیده است. تئوریز رشد غیر سرمایه داری یک تئوری نواستعماری برای به انقیاد در آوردن خلقها و سرکوب انقلابات زرها شیخ مسل ستمدیده میباشد. کمابسیکه مدافع این تئوری امپریالیستی هستند، ما رولمانتاریستند و هرگز و هرگز نمیتوانیم پشتیبان انقلاب و آزادی خلقها باشیم. پانوما ریف "راه رشد غیر سرمایه داری" یا "راه انقلاب و آزادی؟" راه اول به انتخاب انقیاد و ستیزی ز تشدید استعمار می انجامد و راه دوم به انتخاب آزادی و دمکراسی انقلابی برای نوده ها منجر میشود. راه اول به تحکیم سرمایه داری و امپریالیسم و راه دوم به هموار ساختن پیروزی سوسیالیسم ختم میشود.

در سطح جنبش ما، تبلیغاتی وجود دارد مبنی بر این که پانوما ریف مخالف تئوریز رشد غیر سرمایه داری است و هم چنین تبلیغات نیروهای سائتر یونیسفم پیگیر جنبش جیب را به وجود آورده است که با لاف "جناح انقلابی" روس ها "برآمد" پیدا کرده و میتوان امید داشت که برخی اشتباهات و انحرافات گذشته "مرتفع" گشته و قاطعیت بیشتری، شوروی را به مثابه "مبشر آزادی خلقها" به زحمتکشان نشان داد. در واقع ما تئوریهایی برای پوئاندن گرایشات رویز یونیسفم فزاینده خود، در پی کشف رویز یونیسفم انقلابی (!) میباشیم. حال آنکه رویز یونیسفم رویز یونیسفم است و رویز یونیسفمها علییرغم رنگهای گوناگونشان، دشمنان سوسیالیسم و انقلاب و

فدا انقلابیون بورژوازی نیستند. پانوما ریف همانند خروشنفیها و برژنفها، رویز یونیسفمها تنها کاری پیش نیست و برخلاف "رویا های شیرین" سائتر یستها، مدافع تئوری امپریالیستی "راه رشد غیر سرمایه داری" بشمار میآید. او از حقانیت جنبشهای آزادیبخش و انقلاب خلقها "ضرورت رهبری طبقه کارگر صحبت میکند، اما در مثنی و کردار طبقه کاری خود ثابت مینماید که مدافع "راه رشد غیر سرمایه داری" است و از اسارت خلقها است. ما در اینجا قصد آن نداریم که بر اساس نظریات تئوریهیست های رویز یونیسفم روسی تئوریز رشد غیر سرمایه داری را وسیعاً مورد نقد قرار دهیم. ما این وظیفه را که امری خطی و روحیاتی بشمار میآید به آئینده موکول مینمائیم. اما در پی آن میبایست بطور مختصر نشان دهیم چرا تئوریز رشد غیر سرمایه داری تئوری ضد امپریالیستی و امپریالیستی است و چگونه پانوما ریف علییرغم تمام عوام فریبیها و مانورهایش بدان معتقد میباشد. تئوریز انقلابی "راه رشد غیر سرمایه داری" بی از کنگره سائتر یونیسفم شوروی در زمانیکه جریان بورژوازی رویز یونیسفم به سرکردگی خروشنفی مرتد بقدرت رسیده مطرح گشت قبل از نقد اصل تئوریز رشد غیر سرمایه داری "لازم است پیش از در آداهای تئوریک آنرا مورد انتقاد قرار داد تا بتوان به روشنی به ماهیت امپریالیستی و رویز یونیسفمی این تئوریز برد. و اما این پیش در آداهای گدا مند؟

رویز یونیسفمها و منجمله پانوما ریف مطرح میباشند که پیاز انقلاب اکثریت و بخصوص پیاز جنگ جهانی دوم که همزمان با بقدرت رسیدن رویز یونیسفمها در شوروی است، جهان کنسوسی به دوران سوسیالیسم "رسیده" است و عملاً امپریالیسم با آن گرفته است. آنها میگویند از آنجا که رولمانتاریسم تئوریهیست پانوما ریف منجر به تقویت و تفوق اردوگاه سوسیالیسم و تضعیف قوای امپریالیسم گردیده توازن قوا در سطح بین المللی شدت تغییر یافته و بر اساس این تغییر در آداهای قوا این امکان بوجود آمده تا بدون انقلاب به

## رویز یونیسفم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

سوسیا لیسیم دست یافت .  
رویز یونیونیتها مطرح میبازند  
قدرت فاشیستها اردوگاه شوروی  
بورژوازی را در حرکت خود بشدت  
محدود ساخته و مرگزار مسالمت  
آسبزه شکیل گشته است . از نظر آنها  
ده شصت به سبب وزنه تعیین کننده  
شوروی و "تحت تاثیر قدرت رشد  
یافته سوسیا لیسیم" در کشورهای  
سرمایه داری "جریانه های مثبت  
سیاسی" پدیدار گشته و به همین جهت  
امکان گذار مسالمت آمیز به  
سوسیا لیسیم در این کشورها فراهم  
گردیده است . از نظر آنها نه تنها  
با اتکا به "زقایت مسالمت آمیز"  
بین کشورهای سوسیا لیستی و  
کشورهای سرمایه داری ، میتوان  
با زارهای امپریالیسم را تحت  
نفوذ و سلطه خود در آورد و امپریالیسم  
را شکست اقتصادی داد ، نه تنها  
بر اساس "همزیستی مسالمت آمیز"  
بین اردوگاه سوسیا لیسیم و اردوگاه  
سرمایه داری میتوان "سیاست  
طرح دانشی" را پیش برده و از  
عملتها و تهاجمات جنگ طلبانه  
امپریالیستها جلوگیری نمود ،  
بلکه علاوه میتوان از جنگ طبقاتی  
و انقلاب قهرآمیز خودداری کرده و  
با بدست آوردن اکثریت کرسیهای  
پارلمان بورژوازی بتدریج با  
وضع "قوانین مترقی و سوسیا لیستی  
بورژوازی" را از قدرت ماقط نموده  
و قدرت سوسیا لیستی را مستقر  
ساخت .

در همین رابطه غرو شجف در  
گزارشی به کنگره بیستم چنین  
میگوید: "در انقلاب اکتبر در  
شرایط تاریخی زمان خودبگانه  
راه صحیح بود . ولی در حال حاضر  
وضع تغییر کرده و امکان دارد از  
طریق پارلمان گذار سرمایه داری  
به سوسیا لیسم انجام میگردد و یا  
"اگر از اکثریت در مجلس و تبدیل  
آن به ارگان قدرت توده موجودیت  
یک جنبش انقلابی داخل کشور ، به  
معنای درهم شکستن ماشین نظامی  
و بوروکراسی بورژوازی و تشکیل  
یک دولت پرولتری نوین توده ای  
در شکل پارلمان است . "پانوما ریف  
در تائید همین نظر میگوید: "پیدا  
شدن فرصت و احتمال موفقیت  
بیشتر برای انقلابهای نسبتا  
مسالمت آمیز در واقع جدیدی که  
از دهه پنجاه شکل گرفته است . چنین  
انقلابهایی بدون قیام مسلحانه  
و نسبت به شرایط مشخص هر ناحیه که  
متضمن یکا گرفتن تمامی انگال  
مبارزه برای نیل به سوسیا لیسم  
است . ممکن است بوقوع پیوندد ."  
(آموزش زنده و خلق مارکسیسم  
لنینیسم ص ۸۲)

همانگونه که ملاحظه مینماید شجف  
غرو شجف و پانوما ریف تغییرات در  
توازن قوا را مستقیم قرار داده و  
از مایهت سرمایه داری و بورژوازی  
تجدید نظر میکنند . پانوما ریف از

این تغییرات نتیجه میگردد که  
تغییرات طبقاتی تخفیف یافته و  
بنا بر این مبارزه طبقاتی جای  
خود را به آشتی طبقاتی سپرده و  
بنا بر این قیام مسلحانه الزامی  
نیست . اما برآستی این تغییرات  
چيست ؟

پانوما ریف از یک اصل حرکت  
میکند و آن اینک دوران کنونی  
"دوران سوسیا لیسم" است و همانطور  
که در کتاب "سوسیا لیسم و اقتصاد"  
موجود نقش و اهمیت بین المللی  
آن "آمده پانوما ریف مطرح  
میازد شوروی تجسم "سوسیا لیسم  
واقعا موجود" میباشد و بنا بر این  
با پیدایش نقش سوسیا لیسم بعنوان  
تکیه گاه اساسی طرح و نیروی عمده  
مبارزه و مقابله با امپریالیسم و  
سیاست تجاوزکارانه و دخالتی  
آن ، صحبت نمود و بر این اساس  
اعتراف کرد که: "سوسیا لیسم واقعا  
موجود به عامل اساسی تکامل جهان  
تبدیل شده است . (تاکید از ما است )  
به بیان دیگر در "دوران سوسیا لیسم  
و در موقعی که شوروی وزنه تعیین  
کننده را بخود اختصاص داده ، اما  
اساسی تکامل جهان "نه انقلاب و  
مبارزه طبقاتی بلکه تکیه بر  
شوروی امپریالیستی است ."

اولین تحریف پانوما ریف و  
سایر رویزیونیستها ی مرتد اینست  
که آنها با طرح "دوران سوسیا لیسم"  
در پی نفی انقلابات پرولتری  
میباشند . از نظر ما کمونیستها و بر  
اساسی ما تریالیسم تاریخی ، امری  
مسلماست که سرمایه داری به  
مرحله گنبدیده خود یعنی امپریالیسم  
رسیده و محکوم به زوال و نابودی  
است . از نظر ما مارکسیست -  
لنینیستها ، امروز دوران تاریخی  
جهانی سرمایه داری برآمده و تنها  
آلت راتیبوا انقلابی ، سوسیا لیسم  
است . به بیان دیگر تنها سیستمی  
که مبین دوران تاریخی و جهان  
جدیدی در تکامل جوامع بشری  
بوده و میتواند جایگزین سرمایه  
داری گردد فقط سوسیا لیسم است .

بنا بر این بطور عموم ، دوران تاریخی  
سوسیا لیسم آغاز گردیده است  
دورانی که از طریق بسط انقلابات  
پرولتری و پیروزی آنها تنها  
کمونیسم به پیش میرود ، اما مسئله  
سپار اساسی و مهمی که بنا بر  
فرا مونی کرد اینست که ما همانطور که  
لنین میگوید کماکان در عصر  
امپریالیسم و انقلابات پرولتری  
بزمی بریم . بدین معنا که  
امپریالیسم عصر تاریخی اش به  
پایان رسیده لیکن هنوز مینماید  
واقعیات جهان کنونی وجود دارد و  
با پیدایش واقعیت ارتجاعی را از  
زمین برکنده و بجای آن واقعیت  
درختان سوسیا لیسم را مستقر  
نمود . رویزیونیستها ی مرتد  
چنین وانمود میازند که گویا بنا  
انقلاب اکثریت دیگر شعرا لنین کهنه  
شده ، عصر امپریالیسم با ن یافته

و انقلابات پرولتری لزوم خود را  
از دست داده است . حال آنکه چنین  
نیست ، امروز ما در دوره ای بسر  
میبریم که امپریالیسم حیات و سلطه  
دارد و پرولتاریا و زحمتکشان جهان  
آنرا با بدسرنگون سازند . لنین در  
کتاب "امپریالیسم یعنی چه" در پیشگفتار  
مرحله سرمایه داری "در پیشگفتار  
۲۶ آوریل ۱۹۱۷ یعنی قبل از  
انقلاب اکتبر مطرح ساخت : "امپری-  
الیسم استان انقلاب سوسیا لیستی  
است " و در پیشگفتار ۶ ژوئیه سال  
۱۹۲۰ یعنی پس از پیروزی انقلاب  
نیز مطرح ساخت : "امپریالیسم  
استان انقلاب اجتماعی  
پرولتاریاست . این حقیقت از  
سال ۱۹۱۷ در مقیاس جهانی تائید  
شده است ."

در حقیقت انقلاب اکتبر  
نخستین ضربه مهلک علیه امپری-  
الیسم و نخستین پیروزی درختان  
پرولتاریا در راه نابودی امپری-  
الیسم و سرمایه داری بود ، انقلاب  
اکتبر شکاف در سیستم جهان  
سرمایه داری بوجود آورد ، لیکن  
این امر بمعنای محو نابودی  
امپریالیسم و یا تغییر ماهیت  
امپریالیسم و یا تغییر عصری که در  
آن بصری بریم ، نبود . لنین  
در توضیح مقام انقلاب اکتبر مطرح  
ساخت: "ما اینگانه را شروع کرده ایم  
و اما اینگانه ، با چه موقع و طی چه  
مدتی و پرولتاریا های کدام ملت  
این امر را به انجام خواهند  
رساند ، مسئله اساسی نیست . مسئله  
اساسی آنست که بیخ ازجا کنده شده و  
بحرکت درآمده است ، جاده باز شده  
راه نشان داده شده است . . . نخستین  
انقلاب بلشویکی نخستین صد  
میلیون مردم روی زمین را از جنگ  
جنگ امپریالیستی و جهانی امپری-  
الیستی بدر آورد . انقلابهای  
بعدهی تماما بشریت را از جنگ  
چنین جنگ جهانی بدر خواهند کشید  
(بمعناست چهار زمین مالک نیست  
انقلاب اکتبر ۱۹۲۱ - تاکید از  
ما است )

بنا بر این تماما بحث لنین  
اینست که با انقلاب اکتبر ، انقلابات  
شروع شده اند و تخریب عملی جهان  
کهن آغاز شده است ولی این  
انقلابات و این تخریب با پیدای  
یافته ، ما پیروان راه لنینیسم  
معتقدیم تنها آلت راتیبوا تاریخی  
در دوران معاصر سوسیا لیسم است ،  
ما معتقدیم امپریالیسم و سرمایه  
داری وجود دارند و با پیدایش  
انقلابات قهرآمیز توده ای سلاط  
آنها را درهم کوبید ، ما بر آنیم که  
عصر امپریالیسم است و "امپریالیسم  
استان انقلاب اجتماعی پرولتاری-  
الیست" و ما تماما پرولتاریا و  
خلقهای جهان را به ادامه و بسط  
انقلابات فرا میخوانیم ، اما  
رویزیونیستها میگویند "دوران  
سوسیا لیسم" است ، اردوگاه شوروی

«سوسیالیسم واقعا موجود» میباید شد و نیروی انسانی و تمهین کنندنده دوران است و بنا بر این انقلاب پرولتری و مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم لزوم خود را از دست داده است. رویزیونیستها میگویند «انقلابهای بعدی ضرورت خود را از دست داده زهر شوروی نقشی انسانی پیدا نموده بنا بر این کارگران جهان نه به قدرت خود، بلکه به قدرت شوروی با پیدا نگاه نمایند در پراش شوروی «طرح و آزادی» را برای کارگران به ارمغان میآورد.

پرواضح است، زمانیکه انقلاب سوسیالیستی در یک کشور پیروز میشود، پرولتاریای پیروز مندر وظیفه دارد تا با تمام قوا علیه پرولتاریای کشورهای دیگر مدد و یاری رساند، انترناسیونالیسم پرولتری جز حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی همه جا نیست. از انقلابات چیز دیگری نیست. ولی مسئله مورد مباحثه اینست که آیا انقلابات در صورت وجود یک و یا حتی چند کشور سوسیالیستی منتهی میگردد؟ آیا کارگران و زحمتکشان خود دنیا بدفعالانه در جهت زحمتکشی پرور و آزی و نابودی امپریالیسم به جنگ مسلحانه دست زده و انقلاب نمایند؟ از نظر مارکسیسم در عصر امپریالیسم زحمتکشان با انقلاب و زحمتکشان با یاری انقلاب سوسیالیسم را گسترش بخشند و آزوی دیگر کشور سوسیالیستی با یدنبوبه خود به پشتیبانی فعال از این انقلابات برخاسته و امر پیشرفت و پیروزی انقلاب جهانی را تسهیل نماید. اما این امر هرگز به این معنا نیست که مبارزه طبقاتی و انقلاب توده ها نفی با یدگردد.

دومین تحریف رویزیونیستها اینست که آنها میگویند انقلاب اکثر در زمان خود در دست بود، حال آنکه در شرایط کنونی جهان نیستی فرصت و احتمال موفقیت بیشتر برای انقلابهای نسبتا مسالمت آمیز بوجود آمده و از طریق پارلمان میتوان سوسیالیسم رسید. تمام بحث لندن در باره امپریالیسم اینست که امپریالیسم یعنی سرمایه داری گنبدیده، یعنی بسط ارتجاع سیاسی و سیاسی تحکیم ما شیسیسم بوروکراتیک - نظامی. لنین میگوید: «وجه تمایز امپریالیسم بعزت خصلتهای انسانی اقتصاد آن، حداقل صلحدوستی، حداقل آزادی و حداکثر رشد عمومی میلیتاریسم است. نفهمیدن این مطلب هنگامیکه مسئله گذار مسالمت آمیز یا قهرآمیز را بررسی میکنیم، در حکم تسربل به سطح مبتذل ترین دست نشانندگان پرور و آزی است (انقلاب پرولتری و کارگزاران میآورد). اما رویزیونیستها از آنجا

که ملاحظه کردیم امپریالیسم میباشند، بجای بسط ارتجاع سیاسی و تحکیم ما شیسیسم دولتی و رشد میلیتاریسم بسط دمکراسی و دمکراتیزه شدن دولت امپریالیستی را میپسندند و بجای تاکید بر انقلاب، گذار مسالمت آمیز را مطرح میباشند. رویزیونیستها شدیدتفاذهای طبقاتی را تخفیف تفادهای طبقاتی ها زده و بر این اساس دشمن طبقاتی را همدستان طبقاتی مینمایند. رویزیونیستها دولت پرور و آزی بمشابه تجلی تفادهای آشتی ناپذیری طبقاتی را نفی کرده و بنا بر این نه تخریب و انهدا قهرآمیز ما شیسیسم دولتی، بلکه استفاده از پارلمانتاریسم پرور و آزی را مطرح میباشند.

مبارزه طبقاتی و انقلاب قهرآمیز، قانون عمومی و پیشرفت جوامع بشری است، حتی بفرس حال اکثر شوروی واقمارش هنسوز سوسیالیست بودند، انقلاب نمیتوانست نفی گردد، زیرا رابطه سرمایه داری و دژ امپریالیسم هنوز با برجا بود. انقلاب از طریق مسالمت آمیز بمشابه یک احتمال فقط در شرایطی میتواند مطرح باشد که اردوگاه جهانی سوسیالیسم بطور انسانی و تمهین کننده در برابر اردوگاه سرمایه، قدرت یافته را تشکیل دهد و سرمایه داری کامل را محاصره سوسیالیسم قرار گیرد. امری که در حال حاضر به هیچ وجه واقعیت خارجی ندارد و حتی اگر تمام کشورهای سابقا سوسیالیستی هنوز در اردوگاه سوسیالیسم قرار میداشتند شرایط انقلاب مسالمت آمیز فراهم نبود. در دوره پس از جنگ جهانی دوم، هنگامی که اردوگاه نیرومندی و درخشان سوسیالیسم و در رأس آن شوروی سوسیالیستی برهمنوری رفیق استالین وجود داشت، در حالیکه این اردوگاه بنیان انقلاب جهانی پرولتاریای را تشکیل میداد و از قدرت عظیمی برخوردار بود، رفیق استالین و احزاب کمونیست هرگز از «گذار مسالمت آمیز»، «انقلاب مسالمت آمیز» صحبت نکردند، زیرا واقعیت جهانی جوامع، سطح تناسب قوا و سطح تکامل و پیشرفت انقلاب جهانی چنین حکم نمیکرد. و پرواضح است امروز که اکثر کشورهای ما شیسیسم سوسیالیستی مانند شوروی، چین، کشورهای اروپای شرقی و... به اردوگاه سرمایه داری جهانی ملحق گشته اند محبت از گذار مسالمت آمیز «حزبک تحریف شیادانسه در مارکسیسم لنینیسم و یک دروغ پرور و آزی فریبکارانه چیردیکری نیست.

مدین ترتیب با نوما ریف و سایر رویزیونیستهای روسی طرح پیش درآ مدتئوریک خود مینوی بر سوسیالیسم واقعا موجود بمشابه «عامل انسانی تکامل جهان» دریسی آنگند تا انقلاب سوسیالیستی را در

کشورهای سرمایه داری نفی نمایند آنها میخواهند و انمودا زندگه عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری سیری شده و امروز دوران سوسیالیسم است، دورانی که سوسیالیسم امپریالیسم شوروی نقش قاطعی در سیر تحولات جهانی دارد و بنا بر این انقلاب قهرآمیز پرولتاریای در کشورهای سرمایه داری بمشابه یک اصل، ضرورت خود را از دست داده است.

حال اگر رویزیونیستهای مرتد، گذار مسالمت آمیز از سرمایه داری به سوسیالیسم را برای کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی مطرح میباشند، برای کشورهای تحت سلطه نیز راه رشد غیر سرمایه داری «راطرح می نمایند. از نظر این خاشنه به سوسیالیسم اکثر کشورهای امپریالیستی از طریق گذار مسالمت آمیز و پارلمانتاریسم نمیتوانند به سوسیالیسم برسند، کشورهای تحت سلطه از طریق راه رشد غیر سرمایه داری نمیتوانند به سوسیالیسم دست یابند. در واقع نیز رویزیونیستی «راه رشد غیر سرمایه داری» کامل تز گذار مسالمت آمیز است. سوسیالیسم امپریالیسم شوروی مدافع امارت و برادگی تمام پرولتاریا و خلقهای جهان است و به همین لحاظ نه تنها با تسمز رویزیونیستی گذار مسالمت آمیز پرولتاریای کشورهای امپریالیستی را به سازش طبقاتی و دفاع از سرمایه داری دعوت میکند، بلکه همچنین با تز نواستعماری «راه رشد غیر سرمایه داری» کارگران و خلقهای کشورهای تحت متمرکبه سازش طبقاتی و دفاع از پرور و آزی و امپریالیسم فرا میخواهد. و ما جوهر حقیقی تز راه رشد غیر سرمایه داری کدام است و رویزیونیستها چه چه هدفی از ارائه این تز ضد انقلابی تعقیب میکنند؟

بقیه از صفحه ۱۳ رفیق شهید..... آنجا گرد آمده بودند، حمله میبرند، و آنها را زخمی میکنند و با رگبار گلوله و چوب و جاق ما شیسیهای آنها را درهم میشکنند.

بازی رفیق مرگ سرخ را بر زندگی ننگین ترجیح داد و عاشقانه در برابر شکنجه های بیشتر ما نه در خمیان رژیم جمهوری اسلامی، مقاومت نمود و سرانجام سرافراز به پای جوخه اعدام رفت و جان خود را فدای راه سرخ نمود. مطابق برخی اخبار غیر موثق رفیق در زیر شکنجه به شهادت رسیده و رژیم بدروغ نام وی را جز شهیداران شدگان اعلام نموده است.

یادش گرامی و راه سرختر با یدار باد.

\*\*\*



# اخبار مبارزات توده‌ها



## بند و عیسای یورش ارتجاع حاکم به دهکده‌اران زحمتکش!

بیش از ۱۰ هزار تن در روز است که  
حکومت فئودرادی جمهوری اسلامی  
این دشمن خونی کارگران و زحمت  
کشان هجوم دهنده‌اش نه خود را به دهکده  
داران زحمتکش شروع کرده است

و در این حملات مزدوران رژیم اقدام  
به تاراج و ماساژ دهکده‌اران و درهم  
شکنستن دهکده‌های آنان کرده‌اند.

جریان از این قرار بوده است...  
اما مجمع بندگان عیسای حجت الاسلام  
عیدرزاده، دستوری مبنی بر جمع  
آوری دهکده‌ها صادر میکنند، که این  
عمل توسط پاسداران اواسط و جیره  
- خواران شهریاری و شهرداری به  
اجرا درمی آید. این مزدوران در  
حمله به دستفروشان علاوه بر تاراج  
اجناسشان، دهکده‌ایشان را نیز بر  
سرشان خراب میکنند.

در تاریخ ۶۰/۶/۲۲ دهکده‌اران  
کنار گمرک توسط مزدوران رژیم  
سرما به داری جمهوری اسلامی مورد  
حمله مغول و ارتجاع میگردونتها  
وسيله امرار معاشان بزرگشان  
خراب میشود. پیرمردی میگفت: "ای  
کاش خانه مرا خراب کرده بودند ولی  
محل کارم را نه". و دیگری میگفت:  
"بمن میگویند، برو محل خودت کار  
کن، مگر ما خارجی هستیم، من هفت سر  
عاشله دارم، مجبورم اگر این شهر  
نشد، بروم شهردیگر".

از طرف آستانداری بندر عباس  
اطلاع داده شده که جنگزدگانی که در  
خانه‌های چهل دستگاه و ۲۲ بهمن  
میباشند، باید آنجا را تخلیه کنند.  
(لازم به گفتن است که بعد از جنگ  
خانما نوز سرما به داران، برخی از  
زحمتکشان جنگزده در این خانه‌ها  
ساکن شده‌اند.) جنگزدگان به  
حرفهای استنادار مکتبی! اعتنائی  
نکرده و میگویند که ما خانه نداریم  
و ما تا وقتی که جنگ تمام نشده به خانه  
و کاشانه خودمان نمیگردیم و در این  
خانه‌ها خواهیم ماند.

## حمله رژیم به خانواده زندانیان سیاسی

حدود ساعت ۱۰ زده تا ۱۱ زده و نیم  
رسیدیم به زندان که دیدیم عده‌ای  
شتابان بر میگرددند. جویا شدیم،  
معلوم شد که از صبح ساعت خانواده  
- های زندانیان سیاسی به خیابان  
اینکه عید است و شاید زندانیان  
اجازه میدهند فرزندانشان را ملاقات  
کنند جلوی زندان اجتماع میکنند.  
بعد از اینکه تعداد خانواده‌ها زیاد  
میشود و همگی خواستار ملاقات  
فرزندان می شوند گویا تهریس  
برشان میدارد و میگویند ملاقات  
نمیدهم بیخود منتظر نشوید. چند  
خانواده جنگزده با اصرار حواستار  
ملاقات میشوند که میگویند چون شما  
جنگزده هستید ملاقات میدهم و  
بقیه را با تیراندازی هواشی  
و زدن با قنداق تفنگ از محصل دور  
میکنند و خلاصه بجای ملاقات گلوسه  
تحویل مردم میدهند. مردم هم تا بد  
بیخاطر اینکه برای بچه‌هایشان بد  
نشود جلوی زندان را ترک میکنند و  
برمیگردند.

## در سلولهای "ظالم آبله" رژیم چشمی گذرد؟

با رسیدن زمان انتخابات  
ریاست جمهوری، فشار شکنجه و تهدید  
زندانیان سیاسی برای کشاندن  
آنان به پای صندوق رای چندین  
برابر شده ولی انقلابیون در بندکده  
بطور دسته جمعی و یکپارچه از دادن  
رای خودداری کرده اند با تحمل  
و استقامت قهرمانان خود شست  
محکمی بدهان جلادان حکومتی زده‌اند.  
از طرف دیگر وضع غذا و بهداشت  
زندانیان سیاسی بسیار نا مساعد  
است بطوریکه ۱۹ عدد نان برای ۹۰  
نفر زندانی تعیین شده و از نظر  
درمانی حتی اگر مریضی شهاب از  
دردی خوب بیچد دانه‌ای قرص ممکن  
برای تسکین دردی او داده نمیشود.  
انقلابیون اسیر بطور دسته -

جمعی و متحدان زندان رای خودداری  
کرده اند و برای همین، مورد شکنجه  
و آزار هر چه بیشتر قرار گرفته اند و از  
طرف دیگر پاسداران خانواده‌های  
آنان را تحت فشار گذاشته و به آنان  
فحش و ناسزا میدهند و از ملاقات  
خانواده‌ها جلوگیری مینمایند،  
ولی برخورد انقلابی خانواده‌ها  
خود بهترین پاسخ برای آنان است.  
با داری با خشونت به پدر یکی از  
زندانیان میگوید: فرزندت سوراخ  
نداده و او با رضایت جواب میدهد:  
"فرین به فرزندم، اگر او برای شما  
رای میداد من خودم قلم‌ها را بش را  
خرد میکردم و اگر آزاد میشد او را به  
خانه راه نمیدادم". اما ببینیم  
اکثریت‌های خاشن چه میکنند. دو  
تن از سردمداران این خاشن در  
شیراز، بنام حضرت الله رشیدی و  
داریوش جعفری برای شناختن و  
دستگیری کمونیست‌های واقعی و  
افراد مبارز و ما با عوامل رژیم  
تماس گرفته و با آنان همکاری  
مینمایند. خاشن اکثریتی در  
زندان برای سرکوب زندانیان  
مبارزه رژیم طرح هم‌ارائه میدهند،  
ننگشان باد.

اما مبارزه و مقاومت ما نندهر  
جای دیگری در زندان نیز به  
قهرمانانانه‌ترین شکلی ادامه دارد.  
رزمشان بر شور و پر شورتر باد.  
در حمایت از کمیته‌ها و  
انقلابیون در بند قریب  
خود را بلندتر کنیم.  
به نقل از خبرنا مه محلی پیکار  
"شیراز"

## در سنگرمداوس

روز دوشنبه ۶۰/۷/۲۰ صبح به  
مدرسه پیتا هنگ (در غرب تهران)  
خبر میرسد که یکی از همسواداران  
مجاهدین رژیم جمهوری اسلامی  
اعدام کرده است. زندگ اول مدرسه  
بدلیل این خبر حالت عادی خود را  
از دست میدهد. در زندگ تفریح مشول  
امور تربیتی سخنرانی میکنند و  
مطرح میباشند که اعداها مورد تائید  
ماست. در این موقع اکثر محصلین  
مبارزان را هم میکنند. بر اساس این  
جوا اعتراضی ساعت ۱۲ ظهر عده‌ای از  
محصلین مبارزان و آگاه با شمار "محمل  
بها خیز همسنگرت کشته شد". اتحاد  
مبارزه، پیروزی، "زند و جابید  
با دیا شهیدان خلق" حدود ۱۵۰ نفر  
را بسیج میکنند و تظاهرات مسی -  
تعمایند. علاوه بر محصلین شرکت -  
کننده بیش از ۳۰۰ نفر محصل نیز از  
این اقدام مبارزاتی حمایت کرده  
و تائید مینمودند.

در مدرسه گوهر پیروز ۳۰۰ نفر را  
اسمی نویسد و دلیل این عدم  
اسم نویسی فعالیت سیاسی

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

معلمین بوده است. ناظم ارتجاعی مدرسه مطرح ساخته است هرگز انقلابی از ۱۵ به پایین باشد هیچ مدرسه‌ای اسن را نمی نویسد. رژیم ارتجاعی حاکم کوشش میکند با جوخه‌فغان در مدارس هرگز نیست مبارزانی معلمین را خفه سازد اما این کوششها تلاشهای مذبحخانه‌ای بیش نیست دانش آموزان مبارزین جوخه‌فغان را با گسترش اعتراضات و مبارزات توده‌ای درهم خواهند شکست.

★ چندی پیش آموزش و پرورش مرودشت فراخوانی برای پذیرش معلم اعلام میکند و از وظایب میخواهد تا برای توضیح شرایط پذیرش در آموزش و پرورش جمع شوند. در روز موعود جمعیت زیادی در محل گرد آمدند. شرایط پذیرش با این جملات آغاز شد: "۵ نفرند - انقلاب و نفرا انقلابی را معرفی کنید." اجتماع کنندگان با شنیدن شرایط مذکور بی به هیله و شیرنگ رژیم برده و هوکشان محل را ترک کردند.

### اخبار و گزارشات

کرمانشاه :  
روز ۱۲ مرداد ماه در رتبه‌ها نا نوایی شهرک آنها هتا درگیری بین یکی از مشتریان و نا نوایی رخ میدهد. نا نوایی بهمین علت کار را تعطیل میکند. مردم به ستاد بهزیستی میروند و به خواهی فریدی (یکی از مسئولین آوارگان که فریدی حزبی است) رجوع میکنند. خواهی میگوید سه‌الی چهار روز نا نوایی را میبندم تا سرویسها بخوابد. بعد از ۱۵ روز چند نفر از پیر مردان سرشناس و متعهد محل پیش خواهی میروند و تقاضای باز کردن نا نوایی را میکنند و میگویند: در غیر این صورت با پد برای خرید ۵ تومان به شهر برویم و ۶ تومان کرمانشاه بدهیم که روی هم رفته ۵ تومان نان ۱۱ تومان برایمان تمام میشود. خواهی میگوید: تمام میگوید باید نام و نشانی غذا نبلایون را که در شهرک هستند برآیم و بیاورید تا نا نوایی را باز کنم اما چون مردم با این مزدور همکاری نمی کنند نا نوایی همچنان بسته میماند توضیح: شهرک آنها هتا یک شهرک نیمه تمام است در چند کیلومتری کرمانشاه که در حدود ۱۵۰ خانوار آواره در بدترین شرایط در آن زندگی میکنند.

\*\*\*

ملیب سرخ بین المللی او اخر مرداد از زندان دیزل آباد کرمانشاه دیدن میکنند. روزی که قرار بود آنها بیایند به هتای زهر ۱۵ سال را به بهانه گذشت و تفریح به خارج از زندان منتقل

میکنند. از طرف دیگر با اینکه در زندان شیفس تابع شده بود و حتی بکثرت تا دم مرگ رفته بود مسئولین اصلا با این مسئله توجهی نداشتند ولی از موقعی که قرار بود ملبب سرخ به باز دیدن زندان بیایند مزدوران رژیم شروع میکنند به واکن زدن.

وضع بهداشتی زندان بسیار کثرت زندانیان بسیار روحشناک است شیش - کم غذایی - نبودن مکان برای خواب بیداد میکنند. وضعی که اردوگاه یهودیان در زمان جانسان فاشیست هیتلری را بیاد می آورد.

در هفته آخر مرداد ۶ نفر از زندانیان هوادار رجا هدین موقع هوا خوری موفق به فرار از زندان میشوند ولی چون محله را نمی شناختند از منزل یک فالانژ سردر می آورند که یک نفر از آنها در این خانه دستگیر شده ولی بقیه فرار میکنند. با سداران ارتجاع که برای بردن مجاهد زندانی آمده بودند. در حضور مردم کتک زیادی به او میزنند و از مردم میخواهند که اینگونه افراد را گرفته و تحویل دهند. یکی از بهیروزهای محل در جواب میگوید: تحویل بدهیم که آنها را قریبانی کنید؟ تا حالا به اسم اسلام مجاهدان فرار کرده اند تا کی میخواهد جوانانهای مملکت را به جرمهای بچ اعدا میکنند. با سداران رژیم سرما به که هوا را پس میدهند با جملاتی نظیر اینکه تونی فهی شورنداری و..... محل را ترک میکنند.

از تعداد ۱۵۸۵ نفر سربازی که جهت خدمت از همدان به کرمانشاه منتقل شده بودند تا به جبهه های غرب اعزام کردند ۱۸ نفر به دلیل شناخت ما هیت خدا انقلابی رژیم از رفتن به جبهه سربا زدنند و از پا دگاه کرمانشاه فرار میکنند.

اخیرا جلوی در کارخانه توشیبا در رشت، دار بست بزرگی درست کرده اند و تصویر خمینی را روی آن نقاشی کرده اند که فقط خرج سه سال نگاری آن حدود ۲۰ هزار تومان شده است گویا در آینه می خواهد عکس خامنه‌ای مطهری و سایر سردمداران رژیم را شبیه سازی نماید.

اخیرا ۸۲ نفر از معلمین را اخراج کرده اند که علاوه بر معلمین انقلابی یک نفر توده‌ای ۲۰ نفر به بهانه اعتیاد، یک حزبی (احتمالا بدلیل اختلالات درونی شان) یک معلم مرده علت داشتن موی بلند جزو آنها بوده اند این پاکسازی توسط رژیم، آموزش و پرورش - ستام داوری - که فردی با اصطلاح مکتبی و در واقع مزدور است صورت گرفته است اخراج این ۸۲ نفر موجهی از

نا رضا هتیی و اعتراف را در میان مردم بوجود آورده است. شیراز:

رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی و جنگ ارتجاعی که بسوس - افروخته است جز مرگ و بدبختی و فقر و فلاکت و در بدری برای مردم ایران نداشته است گزارش کوتاه یکی از رفقا از شیراز گوشه‌ای از این کرامات نکبت با رژیم را نشان میدهد:

روز چهارشنبه ۲۸ مرداد جلوی بیمارستان حافظ - (اورژانس) یک وانت بار در حالی که دوزخ در عقب آن بودند - ایستاد. حدود ظهر بود. یکی از زنهای داخل اورژانس رفت و دیدگری عقب وانت ما ند جلورفتیم. خود را آتش زده بود. نیم ساعت گذشت و از آن زن خبری نشد خلاصه با داد و جیداد رفتیم یک برانکار رد گرفتیم وزن را در حالیکه فقط انگشتان پایش سالم مانده بسوس روی برانکار رد گذاشتیم به محض اینکه روی برانکار قرار گرفت از هوش رفت از دکتر اورژانس در بیمارستان جزا حات او پرسیدم گفت ۹۶ درصد سوخته است و خواهد مرد.

هنگامیکه بیرون بودیم از او پرسیدم چرا اینکار را کردی گفت جنگ زده هشتم. زیر یک جا در تسوی خاک و کثافت بدون هیچ وسیله‌ای در این گرما - شوهرم هم بیچاره است و هر روز مرا میزند از مزوزدیگر طاقت نیاوردم و خود را آتش زدم. آری جنگ برای مردم زحمتکش این مملکت جز مرگ، فلاکت، بدبختی و در بدری چیزی نیست. ارمغان نیاورده است.

شهران :  
۶۰/۶/۱۲ در تقاطع پارک وی فرزاد با سداران را شنیده یک تا کسی را که معاهدی را بدون اطلاع سوار کرده بود (کوپا با سداران از شهرک غرب دنبال فرد معاهد بوده اند که وی سوار تا کسی شده است با سداران تا کسی را تعقیب کردند و در تقاطع پشت چراغ قرمز او را گرفتند.) زیر کتک و ضربات قنداق تفنگ گرفته زهرا او بقیه مردم در قبال فریادهای بگریه بگریه سداران که معاهد را دنبال میکردند اعتناشی نکردند موفق به فرار گشته بود با سداران در حال فحاشی و کتک زنان را شنیده تا کسی را بردند در حالیکه مردم با خشم و نفرت با سداران ارتجاع را مینگریستند و می گفتند: واقعا که اینها روی گاردشاهها را سفید کرده اند.

اخیرا (در تاریخ ۶۰/۶/۱۵) حدود ۲۳ نفر از پرسنل شخصی نیروی هوایی را که دارای افکار مترقی و تمایلات ضد رژیم بودند بعنوان ما زا دبیر اختیاج اخراج کرده اند در قسمت الکترونیک (قمر فیروزه) بقیه در صفحه ۱۲

## یادرفیق شهید محمود حسینی مقدم (سعید) گرامی بلاد



در یک خانواده متوسط در شهرستان دماوند، در سال ۱۳۳۶ متولد شد. رفیق دوران تحصیلات ابتدائی خود را در دماوند و در دوران دبیرستان را در دماوند، آمل و تهران به پایان رسانید و در این دوران رفیق تا حدودی به کتب مارکسیستی - لنینیستی آشنائی یافته بود و به مطالبه آن ها میپرداخت و سرانجام با عشقی که همواره به زحمتمکشسان داشت - مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان تنها آیدئولوژی طبقه کارگر پذیرا گشت. پس از اخذ دیپلم رفیق در رشته ریاضی - فیزیکی دانشسرای شمیران به تحصیل پرداخت و در همین جا بود که بطور فعال به فعالیت های انقلابی و مبارزاتی روی آورد و اولین فعالیت ها را از تشکیل نمازگاه کتاب و عکس ویا ترتیب جلسات بحث در دانشسرا آغاز نمود. پشتکاری و شوری که رفیق در این فعالیتها از خود نشان میداد، موجب گشت که چندین بار از طرف ساواک تحت تعقیب قرار بگیرد. در رابطه با همین فعالیتها، رفیق چندین بار از جانب مسئولین دانشسرا به اخراج تهدید شد.

در همین دوران رفیق به سازمان پیکار و مواضع انقلابی آن گرایش یافت و سرانجام پس از آن سازمان را بعنوان پیگیرترین سازمان کمونیستی، ارزیابی نمود و به صف هواداران آن پیوست. رفیق در دوران رژیم شاه خائن، پس از پیوستن به صفوف سازمان، فعالیت از هر زمانی به مبارزه پرداخت و هر جا که میتوانست در جنبش اعتراضی توده ها شرکت میجست و نیز در همین دوران اعلامیه های سازمان پیکار را در شهر دماوند پخش میکرد. با شوری و صف تا شدنی این ضلع های آگاهی را در میان توده ها و در محلات فقیرنشین شهر می پراکند و با... در کلیه راهبیمائی ها و میتینگ ها که بر علیه رژیم ضد خلقی شاه سرپا میشد فعالانه شرکت میکرد و لحظه ای از توده های تحت ستمی که در این جنبشها شرکت اعتراضی شرکت جسته بودند، جدا نمیشد و در کلیه حرکات تفرقی آنها، خود در صفوف جلوه نمیکرد و میپرداخت.

رفیق بعد از پایان دانشسرا به تدریس در مدارس مشغول شد. در دوران تدریس خود، همواره در ارتقاء و آگاهی انقلابی و کمونیستی شاگردانش میکوشید و در همین رابطه

پیوندی عاطفی و انقلابی عمیق میان خود و شاگردانش برقرار ساخته بود. بطوریکه وقتی رفیق محمود با شیوه دمکراتیک آنچه های کلاسی خواست که از عملکرد وی گزارشی بنویسند، آن ها با حداقتی انقلابی آنچنان تحلیلی از وی کردند که واقعا نیز شاگردان بود. رفیق محمود، در همین دوران تدریس بود که با کمیته معلمین سازمان در ارتباط قرار گرفت و در این بخش تا هنگام دستگیری اش فعالانه و بیگیرانه به وظایف انقلابی اش ادامه داد.

سرانجام در تاریخ شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۶۰ رفیق در خانه اش مورد حمله مزدوران رژیم جلاد قرار گرفت و به همراه همسرش و چند رفیق دیگر دستگیر شد. از جمله رفقای دیگر دستگیر شده در این خانه، رفیق شهید علیرضا سعادت (که با دنا ماه اش در پیکار ۱۲۵ درج گردید) و رفیق ها شمر می بودند که هر دو توسط مزدوران رژیم جلاد تیرباران شدند. مزدوران رژیم، در نیمه های شب به خانه رفیق، محمود حمله بردند و جز چند جلد کتاب به چپزدگیری دست نیا فتند. مزدوران رژیم در این حمله و حشبا به مقداری از وسایل خانگی رفیق را نیز به بنما بردند و بدین ترتیب نشان دادند که وارثین حقیقی مغول ها و همسانان آنها در تاریخ هستند.

سرانجام رفیق محمود پس از یک ماه تحمل شکنجه و زندان، در تاریخ ۲۲ خرداد ماه به همراه رفیق ها شمر می (که به همراه وی دستگیر شده بود) و در کناره ۱۸ رفیق دیگر به پای جوخه های اعدا مبرده و تیرباران شدند.

خانواده رفیق در هفتمین روز شهادت رفیق و همزمان او، گرد آمده و با محمود و همزمانش را که همواره در قلب زحمتمکشان رننده است، جای پدا خستند و با سرودها و شعارهای انقلابی، آرمان آنها را زنده نگاهداشته اند.

یادش گرامی و راهش پایدار باد!

بغیبه! ز صفحه ۱۰ اخبار...  
لیست مدرژی می بود.  
لیست ۸۰ نفره ای تهیه شده که قرار است از اول مهر حکم اخراج - شان صادر گردد.  
بنا به اطلاع اخیرا (حدود یکماه) اداره های بنام حراست از جمهوری اسلامی در کلیه وزارت - خانه های رژیم دادرگشته است که اعضای آن از بین کارمندان عضو انجمن اسلامی و یا افرادی چون امتی ها و روبریونیستها میباشند. این افراد که غیر علنی میباشند وظیفه جاسوسی و کنترل سایر کارمندان را به عهده دارند. در مقابل کارمندان که متوجه جنبش توطئه ردیلانه ای گشته اند با هوش - یاری و همکاری یکدیگر به شناختن این مزدوران پرداخته و آنها را افشا و معرفی می نمایند.

ایلام:

۶/۶/۶۰ با مداد ایضاً روز رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی یک پر بچه ۱۶ ساله را اعدا میکنند. وی که برای مهمانی از سفیر اسلام آمده بود در موقع دستگیری تعدادی اعلامیه با خود داشت و رژیم بر ما به که از هر جرعه آگاهی سخت میهراسد به جرم همراهِ داشتن تعدادی اعلامیه آگاهانه جوانان ۱۶ ساله ای را به جوخه اعدا میسپارد. سنگ و نفرت بر رژیم.

در تاریخ ۶/۶/۶۰ حدود ساعت ۶ یک زن و چند بچه کوچک همراه با او در جلوی سپاه پاسداران ایلام با صدای بلند شعار مرگ بر خمینی می دهد. پس از چند دقیقه پاسداران ارتجاع آنها را محاصره کرده و به داخل سپاه می - برند که تا کنون از وضع آنها خبری نیست. از قرار معلوم علت این حرکت این بوده که پسر این خانواده در مرز گشته شده بوده است. آشکار شدن ما هیت جنگ ارتجاعی دور رژیم ایران و عراق به مردم نشان داد. است که گشته شدن فرزندان در جبهه نه بخاطر منافع آنان بلکه بخاطر امیال پلید دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق است.

نمونه زیر با زهم افشاگر ماهیت ارتجاعی روبریونیستهاست که با تمام وجود در خدمت رژیم بر ما به - داری جمهوری اسلامی و سراری سرکوب مردم فعالیت میکنند. در کرمانشاه یک توده ای با بداری را که محصور گشته به مجاهدین داشته لومبده و سر از دستگیری پاسدار مزبور جای پدا نه امین خدمت توده ای خویش و گاه به داع - ترازش بودن خود میباید.

واقعا تجریمات خود توده ها چه خوب صحت نظر کمونیستهای واقعی که روبریونیستها را مردوران سرمایه و سرمایه داران میدانند و همیشه ما هیت کشف شان را افشا کرده اند نشان میدهد.

# بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر و استقرار حاکمیت شوراهای

شصت و چهار سال پیش در اکتبر سال ۱۹۱۷ پرولتاریا قهرمان سراسر روسیه با سرنگونی قهرآمیز بورژوازی اولین کشورشوراها را بنیاد داشت و دیکتاتوری پرولتاریا را بنیان نهاد. این حادثه عظیم تاریخی بعد از کمون پاریس، از مهم ترین دگرگونیهای عصر سرما به داری و بیام آورد دوران احتضار آن بود. رسالت فروریختن اولین سنگهای بورژوازی جهانی و پی ریزی اولین سنگ بنای دنیای نوین، به عهده پرولتاریا قهرمان شوروی قرار گرفت و پرولتاریا قهرمان شوروی با رهبری حزب کبیرا لنین، این رسالت را به بهترین وجهی پاسخ گفت. اینک دروازه های سرما یسه داری گشوده میشود و با استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، دنیای طراز نوین سوسیالیستی با بحر معیبات می گذاشت. آری انقلاب کبیرا کتبر، در واقع منطبق به تمامی کارگران و زحمتکشان جهان و اولین (به یک معنی دومین) پیروزی درختان آنان در ساختن دنیای نوین بود. پیروزی کارگران و حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان، که اینک در شوراها متبلور شده بود، بقول لنین، "به دمکراسی منطبق به اکثریت عظیم اهالی یعنی استعمار رشوندگان و زحمتکشان چنان تکامل و توسعه ای داد که نظیر آن در جهان دیده نشده است." این حاکمیت ما هیست شیا دانسه و مالوسا نه دمکراسی های بورژواشی را برعلا نمود و نشان داد که "دمکراسی پرولتاریا یک میلیون بار دمکراتیک تر از بورژواشی و حکومت شوروی است." این حاکمیت نشان داد که "شوراها از زمان بلاواسطه غسود توده های زحمتکش و استعمار رشونده هستند. از زمانی هستند که این امر را برای آنان تسهیل مینماید که خودشان دولت را بنیاد دارند و به هر نحوی بتوانند کشورداری کنند و بالاخره این حاکمیت نشان داد که پرولتاریا در جهت نابودی نظام طبقاتی و ممانعت از بازگشت بورژوازی برای درهم شکستن مقاومت بورژوازی، برای ایجاد درع و هراس در دلها مرتجعین، برای حفیظ اتوریته مردم مسلح علیه بورژوازی و برای اینکه پرولتاریا بتواند دشمنان خویش را قهرا سرکوب نماید" به دیکتاتوری پرولتاریا نیاز است.

آری، انقلاب کتبر و سوسیالیسم حاکمیت شوراها را لنینی، دومین تجربه حکومت کارگران بعد از کمون پاریس بود که با بحر معیبات گذشت و به این وسیله ناقوس مسرگ بورژوازی را در سراسر جهان بمدا

در آورد. اهمیت جهانی و تاریخی اکتبر تنها در پیروزی یک انقلاب خلاصه نمیشد. ما هیت سوسیالیستی این انقلاب، آنرا از تمام انقلابات دوره های پیشین تاریخی در سراسر جهان متمایز نموده و بیشتر دوران نوینی بود که اینبار یک کلی نظام طبقه ای، نظام استعمار و بردگی، نظام سرما به دستم، با پدای هم کوبیده میشد. از این جهت این انقلاب نمیتوانست با مقاومت فشرده و متحد و یکپارچه و مدبارا فزونیستس امپریالیسم جهانی و بورژوازی داخلی و خارجی، در جهت نابودی حاکمیت شوراها، مواجه نگردد.

گذرا از سرما به داری سوسیالیسم یک دوران تاریخی تمام و تمام است. ما دام که این دوران سر نرسیده است، برای استعمارگران ناگزیرا میدا عاده قدرت باقی میماند و این امید هم به تلاشهای برای اعاده قدرت مبدل میشود. استعمارگران سرنگون شده گه استعمار سرنگونی خود را انداختند آنرا با ورش میگرداند و فکر آنرا هم به مخیله خود خطور نمیدانند. سپس از خستین شکست جدی با انرژی ده بار رشید تر و با سیمیت و کپس و نفرتی مدبارا فزونیستس برای عودت "بهشت" زدست رفته برای خاطر خانواددهای خودی که آنسان خوش و راحت میزیستند و اکنون "عوام - لنانس" بنمان آنها راه خانه خرابی و فقر (بابکارزاده) محکوم میمانند به نبرد دست میزنند. ما زمانیکه حزبی چون حزب بلشویک در روس پرولتاریا قهرآمیز و اندیشه ای چون بلشویسم راهنمای این حزب بود، عاده قدرت بورژوازی ممکن نبود. اگر پیروزی درختان اکتبر مرمون رهبری صحیح پرولتاریا سراسر روسیه و حزب بلشویک بود و اگر این حزب به اندیشه ای مسلح بود که تاریخ عملی ۱۵ ساله ای را (۱۹۰۳-۱۹۱۷) با متنوع ترین اشکال مبارزاتی و در شرایط مختلف گذرانیده بود، که آنرا چون سنگ خارا ساخت و پولادین نموده بود، مسلما و تا زمانیکه پرولتاریا و حزب وی برای اندیشه مسلط بود، نمیتوانست انقلاب را به جلو سوق داده و سنگرهای بورژوازی را یکی پس از دیگری فتح و نابود نماید و چنین میزند. انقلاب به رهبری حزب کمونیست و بیسواوی بزرگ پرولتاریا قهرمان لنین و

سپس استالین پیش میرفت و جهان سرما به داری را به وحشت مسرگ و نابودی انداخته بود. انقلاب در سراسر جهان با الهام از انقلاب اکتبر و تحت تاثیر آن بالا میگرفت و دروازه های سرما به داری را میگوید اما پس از گذشت استالین، به شرح دشمنان نقابدار پرولتاریا، این رویزیونیستهای ضد انقلابی بر حزب چیره شده و اینبار رقلعه را از درون تشخیر نمودند. بلشویسم در معرض تهاجم و تاخت و تاز همه جانبه روزیونیم نوپا قرار گرفت و رویزیونیسم خروشیجی بمسواون رویزیونیسم مدرن بر حزب کمونیست شوروی مسلط شد. حزب کمونیست با مسلط شدن خاستن به طبقه کارگر بر آن، تغییرا هیت داد و به ابزار نفوذ و حاکمیت بورژوازی بر طبقه کارگر، تبدیل شد. با تغییرا هیت حزب به یک حزب ضد انقلابی و بورژواشی، مسلما دگر سخسی از سوسیالیسم نمیتوانست مطرح باشد. با ختمان سوسیالیسم در معرض تهاجم سرما به داری نوپا قرار گرفت و سرما به داری دولتی با گرفت. ارزش اضافی به جریان اغسط دو میلیونها کارگر و زحمتکش شوروی یا ردیگر به امارت سرما به داری شدند. حکومت شوراها به یک حکومت تمام عیار بورژوا و امپریالیستی تغییرا هیت داد. آری بورژوازی پس از خستین شکست جدی با انرژی ده بار رشید تر و با سیمیت و کپس و نفرتی مدبارا فزونیستس برای عودت "بهشت" زدست رفته. . . . به نبرد دست میزنند. ما بورژوازی و امپریالیسم نمیتواند از رشوت محتوم خویش گریز داشته باشد. عمرا، عمرا انقلابات پرولتاریا عمر گذرا از سرما به داری سوسیالیسم، عمر گذرا به دنیای نوین است. گوا اینکه این کداری بدل است. اهمیت تاریخی و پیچیدگی تطویران دردناک صورت گرفته و باکش وقوسها، فرا زوشیها و شکست و پیروزیهای فراوان همراه است. گوا اینکه تجربه پیروزی اکتبر، زندگی و حیات چندین ده ساله این انقلاب و سپس استحاله آن توسط سوسیالیسم امپریالیستیهای خروشیجی و همیطور رشوت انقلاب چین پس از چندین ده سال حاکمیت پرولتاریا، نشان میداد که این دوره گذار، بدلیل قدرت جهانی امپریالیسم و سرما به دوره ای پس سفرنج و پیچیده است. اما بقیه در صفحه ۱۶

## زنده باد سوسیالیسم!



سال سوم - دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۶۰ - شماره ۴۰۱



سال سوم - دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۶۰ - شماره ۴۰۱



سال سوم - دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۶۰ - شماره ۴۰۱



سال سوم - دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۶۰ - شماره ۴۰۱





## رفیق شهید اسماعیل حسن وند، سبیل نسلی از بلشویکهای جوان

را از طرق مختلف وارد شهر مینمود و دشمن را عا جزوزبون میساخت . رفیق چنان علاقه به مبارزه داشت که با وجود حساسیت وظیفه اش و توصیه مسئولین بکدام زینبای نمی نشست و خواهان کار مسئولیت های بیشتر بود ، بطوریکه در برخی محلات نیز در امر تبلیغ و پخش اعلامیه و شعارنویسی نیز به فعالیت های جدید دیگری میپرداخت ، رفیق در تشکیلات روز بروز بیشتر رشد مینمود و ارتقا می یافت بطوریکه مسئولیت های جدیدتری به عهده او گذاشته میشد .

رفیق برآین رابطه "بیک تشکیلات مسجد سلیمان با تشکیلات مرکزی جنوب گردید و علاوه بر آن در نیمه چاب نیز از زمان تدهی شدویکی از اعضای مؤثر تیم چاب گردید . رفیق گاهی ۲۰ ساعت از زمان روز را کار میکرد و ساعتها در خانه چاب به چیلب نشریات محلی و اعلامیه ها میپرداخت و پس از آن راهی محلات میشد تا در توزیع آن نیز به دیگر رفقا کمک کند و بموقع نیز برای ارتباط گیری و رساندن بیک از شهر خارج میشد .

آری رفیق دیگر به معنای واقعی یک بلشویک بود ، بلشویکی جوان که نرده های ترقی و تکامل

ایدئولوژیک تشکیلاتی را یکی بعد از دیگری می پیمود . رفیق همیشه هر مسئولیتی را با آغوش باز و لبهای خندان می پذیرفت .

از خصوصیات بارز رفیق ایمان عظیم و عشق آتشین به طبقه کارگر همراه با شجاعت و جسارتی بی مانند و روحیه شاد و بیانش وی میباشند . شادکامی اسماعیل را نندیده با شادکامی روزی افسرده و غمگین باشد همیشه شاد و خندان بود و به پیروزی توده ها ایمان داشت و در راه مبارزه طبقاتی هرگز هراسی بخود راه نمیداد . در همه جا پیشقدم و پیشاهنگ بود .

در جریان سیل اخیر خوزستان (بهمن ۵۸) نقشی واقعا فعال داشت و در حالی که در روزهای اول رفقای بالای تشکیلات هاچ و واج مانده بودند ، رفیق دست بگازد ، به کمک چند دانش آموز دیگر در محلات

درجا معه ما در این شرایط خیلی ها میبهرند و ما مرگ روبهرو میشوند ولی مرگ همه آنها به یک شکل در محیط خود موثر نمی افتد . مرگ بعضی ها چنان سنگین است که به سنگینی قلعه البرز و شهادت رفیق اسماعیل از این نوع بود .

رفیق شهید اسماعیل حسن وند در اصفندما سال ۱۳۴۲ در یک خانواده کارگری و فقیر بدنی آمد و فقر چنان از سروروی خانواده رفیق میبارید که وی را برای شیر آب جوش و نشاسته بزرگ کردند . جـو خانواده رفیق کاملاً سیاسی نبود و رفیق از سن ۱۲ سالگی با سیاست آشنا شد و به مطالعه آثار مصلحان و بهرنگی پرداخت . وی از اوائل جنبش توفنده توده ها علیه رژیم منحوس شاه در صف مقدم مبارزات مردم و بخصوص دانش آموزان بود به طوریکه کمتر مبارزه ای و با تحصن و اعتصابی را خصوصاً در سطح مدارس میتوان سراغ داشت که رفیق نقشی فعال در آن نداشته باشد . رفیق در سال ۵۲ در جریان یورش دانش آموزان به دبیرستان ملی که ویژه بچه های مرفه بود و به آتش کشیدن دفتر مدرسه پهلوی که مسئول آن اعتصاب تـکن بود و همچنین حمله به بانکها نقش برجسته و کاملاً چشمگیر داشت ، بطوریکه پلیس فاشیست شاه برای دستگیری رفیق به خانه شان یورش برد . علاوه بر آن رفیق در ۲۲ بهمن ۵۲ که توده ها و نهروهای انقلابی به ژاندارمری شهر حمله کردند نیز حضور فعال داشت .

بعد از قیام ۵۲ رفیق در مبارزات دانش آموزی مدارس همبازایی داشت ، بطوریکه رفیق از مسئولین بخش دانش آموزی تشکیلات هوادار مسجد سلیمان و مسئولیت هسته دبیرستان خود "۱۷ شهریور" را داشت . در اوائل سال ۵۸ ، که دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر در مسجد سلیمان تشکیل شد و یکی از رفقای فعال و خوب قسمت پخش

دفتر بود که به کمک یکی دور رفیق دیگر مسئول بخش چندین محله بود . خلایقیت ، استعداد و ملاحظاتی رفیق چنان بود که با گرفتن تشکیلات هوادار سال زمان بیکار در این شهر در نیمه دوم سال ۵۸ رفیق مسئولیت تحویل گرفتن نشریات را عهده دار شد .

رفیق گاهی ساعتها در زیر آفتاب گرم جنوب برای گرفتن نشریات نیرو صرف میکرد و در این زمان که بیش از ۱۵ سال نداشت با جنبه تحریف ولی برای دانش کار رنه های سنگین نشریات را حمل و نقل میکرد و آن را به کانال خام خود میرساند علیرغم کنترل شدید و دقیق دروازه شهر ، رفیق با زرگی خاص نشریات

شهر اقدام به جمع آوری کمک و امکانات از قبیل لباس ، پتو ، غذا و دارو نمود . پس از برپا شـی چادر کمپته جوانان مبارز مسجد سلیمان جهت کمک به سـیلزدگان ، همه روزه با کوله باری از غذا و دارو به همراه دیگر رفقا پس از عبور از کوه های صعب العبور (چراگاه پل ها را آب برده بود) به کمک اهل نشینان بختیاری میشتافت و در کنار آن به کار آگامه گراخسه و افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی در میان زحمتکشان سـیلزده نیز می پرداخت . بر اثر پشتکارش در این زمان از مسئولین حمل و نقل آذوقه و ... به روستا شد . پس از جریان سیل رفیق در انتخابات مجلس نیز نقش فعالی داشت و با تکمیل اعلامیه ها و تراکت های فراوان در اتاقهای بی روزنه به کار میپرداخت بطوریکه تا مدتی از رفتن به مدرسه خودداری کرد .

با لاف در آرد بهشت ۹۹ رفیق بهنگام تحویل گرفتن کارتن نشریات بوسیله سـیاه جهل و سرما به دستگیر میشود و علیرغم کم و تبلیغات دروغین رژیم در آن زمان که بچه های کمتر از ۱۸ سال را به سه ماه حبس محکوم می نمایند ، پس از فشارهای زیاد به رفیق جهت

پیدا کردن عامل فرستنده که ناسا موفق میمانند به یک سال حبس محکوم می گردد . رفیق ۶ ماه را در زندان می گذراند و بدنبال آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق و از آنجا که زندان کاروان هوا زد در تبریز رس آتش توپخانه عراق بود ، رفیق را که ستن کم و حبس سنگینی نداشت به همراه چند تن دیگر از رفقای هم سن و سالش آزاد میکنند دوران زندان رفیق را با زهم آیدیده تر نمود و او از کوران مبارزه طبقاتی سربلند بیرون آمده و این بار آیدیده تر به مبارزه طبقاتی روی میآورد . رفیق همچنان در تشکیلات رشد می نماید بطوریکه یکی از مسئولین بسیار فعال بخش تبلیغات میشود رفیق که دیگر از این زمان به بعد کمونیستی حرفه ای گشته بود شبها با مشعل های بیک در محل ها روان بقیه در صفحه ۱۸

نگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی ، عامل کشتار صدها کمونیست و انقلابی!

بقیه از صفحه ۱۵	سرباز جنبه سومار
ما هشر:	۵۰۰۰
ب	۱۱۱۰۰۰
م معلم	۵۰۰۰
ب بیگار	۱۱۰۰
ع کارمند	۲۰۰۰
ش کارمند	۵۰۰۰
م معلم	۲۲۰۰۰
ه کارمند	۵۰۰۰
ه مجدی	۱۰۰۰۰
ش کارمند	۲۰۰۰
ب بیگار	۲۰۰۰
د معلم	۱۰۰۰۰
م معلم	۱۰۰۰
مسافرکارمند	۳۰۰۰
د کارمند	۲۰۰۰۰
ز کارمند	۹۰۰۰۰
ف کارمند	۲۰۰۰
ر کارمند	۱۰۰۰
ح دکارمند	۳۰۰۰
زن خانه دار	۲۰۰۰
خانواده هوادار	۱۰۰
سلا کارگزارنشسته	۱۵۰۰۰
رفقای رزمی	۵۰۰۰
عقابکارگر	۲۵۰۰
	۱۰۰۰۰
	۱۰۱۰۰۰
	۱۵۰۰۰
	۲۰۰۰
	۱۰۰۰
	۱۰۰۰
	۲۲۳۶۰۰
	۲۳۳۰۰۰
	۵۰۰۰
	۵۰۰۰
	۲۰۰۰
	۱۰۰۰
	۸۳۶۰۰
	۷۰۰۰۰ + ۲۹۰۰۰ + ۲۱۰۰۰ + ۵۱۰
	لیتر
	بنزین

بقیه از صفحه ۱۷ رفیق ۵۰۰۰۰۰  
بود چرا که برای شرايط جنگ ارتحاشی ديگرا مکان کار رغنسی در روز ميسر نبود و ديوارهای شهر را با شکارهای کمونیستی رنگین می نمود و نودهای زحمتگشان را که از گرانای و بیگاری به تنگ آمده بودند بوسیله شکار برد و دیوارهای شهر را کمک دیگر رفقا بش منعکس می ساخت. در ماههای اخیر که فقر تسلیمات در تشکیلات بر حسته ترمیشود رفیق وارد تبلیغات حرفه ای تشکیلات می شود و به علت موقعیت حماسی با "س. ب. بیگ کار می برد از دویر از تغییر و تحولات ماههای اخیر و پس از فعالیتهای شبانه روزی اش در بخش "س. ب. دوبا ره به تشکیلات "د. د. ب" می گردد و مسئول هسته حرفه ای تبلیغات در شعار نویسی و بخش اعلامیه می گردد. فعالیتهای پیگیر و خستگی ناپذیر رفیق خواب را از چشم هردشمن ربوده و بسی شبها که از تیررس گلوله های دشمن گریخته بود. در شرايط اوج گیری جنبش شده ها رفیق به کمک دیگر رفقا در شکن جواختناق شهر در ماههای اخیر بخش عظیم داشت و در یک ماه اخیر "در اردیبهشت ماه به هنگامی که در یک تیم محافظ از دیگر رفقای فروش و بخش محافظت می نمود برای رهائی یک رفیق از دست حزب الهی ها دارگیر می شود که موفق به نجات رفیق بخش شده لیکن خسود رفیق اسماعیل دوباره دستگیر میشود و به شدت مورد ضرب و شتم حزب الهی ها و افراد بسیج قرار میگیرد لیکن چون از رفیق مدارکی بدست نیاموده بودند فردای آن روز او را آزاد میکنند. رفیق در حرکتیهای توده ای اخیر و جریان ۳۰ خرداد بسیار فعال بود و پس از اعدامهای

دسته جمعی اخیر در هفته اول تیر ماه رفیق اسماعیل با هسته تیمی خود به هنگامی که نیمه شب برای افشای و محکوم کردن اعدامهای دسته جمعی مسئول شعار نویسی بود دستگیر و پس از شکنجه های فراوان و خونریزی ناشی از شکنجه و در زیر مراقبت شدید در سرجگاه شنه ۲۰ تیر ماه جلوه خوا عسدام قرار میگیرد و با این که رژیم از او حواسته بود که توبه کند و کتب علیه سازمان خود جبری بنویسد تا آزادیش را با زیادتیکن رفیق حماسه آفرین به داستان و حاکم شرع فاشیت "خرانی و بهرامی" نه گفت و بشوینک وارد حالیکه هنوز ۱۸ سالش تمام نشده بود جان خود را نشا رطقه کارگروه توده های زحمتکش میهنش نمود. رفیق را در خیمان همراه با یک مجاهد خلق پس از اعدام با لباس خونینشان به خاک می سپرند. پس از آن که خبر اعدام رفیق در شهر بخش میشود خانواده و بستگانش به همراه توده ها رفیق را با جنگ و دندان از زیر خاک بیرون آورده و پس از انجام مراسم با احترامی عمیق به او آرمایش وی را با خاک می سپارند. طبق برخی اخبار رفیق را وحشیانه شکنجه نموده تنش را با سیگار روزانه بودند و دستش را شکسته بودند و بدین ترتیب، بلشویکی جوان با جوهر کمونیستی خویش، آستوار و سوما تند در برابر سرب های داغ قامت برافراشت و بانگ های در آفتاب سرخ آرماسن سوسیا لیسیم آتش تیر را بر بیگس سرشا را ز کینه اش پذیرا گشت. پسادش جاودان و راهش پایبند است.



درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

تقیه از صفحه ۲۰ شهادت ۰۰۰۰  
منطقه زلوث وجود این مزدوران  
بود و سرانجام در مبارزه علیه  
مرتجعین در تاریخ ۶/۶/۶۰ با  
گلوله مزدوران به شهادت رسید و  
جون خویش را و شقیرها شکی  
زحمتکشان نمود.  
بیادش را با ادا راه را هستی  
گرامی بساریم.



رفیق پیشمرگ شهید  
زرگارشیرخ الاسلامی

رفیق در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای  
متوسط در شهر مریوان بدنیا  
آمد در همان اوآن جوانی تحسنت  
نا شیرجو سیاسی خانواده با مسائل  
سیاسی آشنائی پیدا کرد. در سالهای  
قبل از قیام یکی از عناصر فعال  
جنبش دانش آموزی بود. وی به همراه  
دیگر همفکران خود اعتراضات دانش-  
آموزی را علیه رژیم ارتجاعی شاه  
سازماندهی میکردند و در اعتراضات  
و راهپیمائیها و میتینگها که باعث  
جلب مردم بطرف انقلاب میشد، شرکت  
فعال داشت. رفیق همچنین از  
سوی ساواک نیز تحت پیگرد قرار  
داشت.

رفیق در حیوجه مبارزات تنوده  
- ای در سال ۵۷ با چندتن دیگر از  
رفقای خود برای سازماندهی  
مبارزات دانش آموزان و پیوند آن  
با جنبش تنوده ای، کانون محصلین  
مریوان را بوجود آوردند. کانون  
بر اثر کوششهای سیدریخ رفقا  
یکی از مراکز مهم تجمع و تشکّل  
دانش آموزان گردید. رفیق به  
همراه دیگر رفقا در کانون برای بالا  
بردن سطح آگاهی دانش آموزان و  
نیز تنوده های مردم از تمام  
امکانات موجود مانند چاپ نشریه  
اعلامیه، اجرای نمایشنامه  
سرگزاری نمایشگاه و دانش کردن  
کتابخانه ها و نیز شرکت عملی در  
کارهای دسته جمعی استفاده  
میکردند. و در عین حال رفیق در  
تماس نزدیک با اتحادیه دهقانان  
بود و در کوچ تاریخ مردم مریوان

نقش فعالی داشت.  
رفیق در سوره ۲۸ مرداد ماه  
۵۸ که همراه چندتن دیگر دستگیر شد.  
که بعد از آزاد شدن دوباره فعالیت  
مبارزاتی خود را از سر گرفت و در  
همین اوآن با تشکیلات پیکار  
سازمان سنج تماس گرفت و بطور  
فعال در جنبش دانش آموزان علیه  
حضور مزدوران رژیم در شهر شرکت  
میکرد.

بعد از آزاد شدن شهرها رفیق  
فعالیت خود را در کانون محصلین  
مریوان ادا می نمود که در اجسرای  
نمایشنامه ۹ شهید و نیز چندین  
نمایشنامه دیگر شرکت فعالی داشت  
و در عین حال در بخش نشریات  
و اعلامیه های سازمان و نیز تبلیغ  
مواضع سازمان نقش بسزائی داشت  
رفیق مدتی در شهر سقز و سنندج  
به همراه بود در جریان جنگ یک ماهه  
مریوان در "بنگه ها" فعالیت  
پرداخت و مدتی بعد از تخلیه شهر  
به پیشمرگان پیوست.

رفیق در مدت زمانی که  
به همراه بود در کارهای عملی و  
سیاسی شور و شوق زیادی از خود  
نشان میداد و در بالا بردن سطح  
آگاهی سیاسی و شور و خروش خود و  
دیگر رفقایش کوشا بود. رفیق برای  
مدتی در جمع مسئولین مفروضه  
مسئولین آموزشی سیاسی پیشمرگان  
"بدل" شهید گردید.

سرانجام رفیق در درگیری با  
نیروهای مزدور و مکررات و زرگاری  
در منطقه کامیاران در حالیکه در  
اول جبهه بود به شهادت رسید.  
بیادش گرامی بسار!



رفیق پیشمرگ شهید  
ارسلان خلیلی

رفیق ارسلان خلیلی در سال  
۱۳۴۱ در یک خانواده زحمتکش در  
شهر سنندج متولد شد. او در تمام  
طول زندگی کوتاهش با درد و رنج  
زحمتکشان آشنا بود. از همین رو  
برآمد جنبش انقلابی در سال  
ایران با وجود سن و سال کم، بطور  
فعال در مبارزات دانش آموزان،  
در تظاهرات، اعتصابات، بخش

اعلامیه و... شرکت جست. بعد از  
قیام با او جگیری مبارزات تنوده ها  
در کردستان همراه دیگر رفقای خود  
در اینجا دینگه های محلات درسندج  
نقش فعال داشت و یکی از فعالین  
بنگه "نازه آباد" بود. تا بستگی  
وجارت و شهادت انقلابی رفیق به  
حدی بود که از همان ابتدا بمنسوان  
مسئول کمیته نظامی بنگه انتخاب  
شد و در دوران فعالیتش در "بنگه"

با شور و علاقه ای فراوان به آموزش  
نظامی افراد "بنگه" و محله  
میپرداخت. رفقا و دوستانش در  
"بنگه" خاطر فداکاریها و مسرور  
حوصله رفیق را در آموزشهای  
نظامی و... فرا موش نخواهند کرد.  
با شروع پورش خدا انقلابی  
رژیم به کردستان در بهار ۵۹ کک  
ارسلان بمنسوان یک پیشمرگ انقلابی  
دو شا دوش ما پیشمرگان در مقاومت  
حما به آفرین ۲۳ روزه مردم مبارز  
سنندج در مقابل پورش وحشیانه  
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی  
شرکت فعال داشت و بهنگام خروج  
پیشمرگان از شهر، رفیق به  
پیشمرگان سازمان پیکار پیوست و  
تا لحظه شهادتش در سنگر سازمان  
علیه سرما به داری جمهوری اسلامی  
و نیروهای سرکوبگر طبقه سرما به-  
دار و در خدمت آرمان طبقه کارگر  
پیکار نمود.

رفیق ارسلان نمونه کامی از  
یک پیشمرگ انقلابی و کمونیست  
بود و شور و شوق مبارزاتی، صداقت  
انقلابی، شجاعت و جرات رفیق  
در درگیریهای نظامی از صفات  
باززا و بود و همین خصوصیات رفیق  
را از محبوبیتی خاصی در نزد رفقای  
سازمان و زحمتکشان منطقه  
کامیاران و "راورود" برخوردار  
کرده بود. مقاومت قهرمانانه رفیق  
به همراه ۹ تن دیگر از همزمانش  
در درگیری "گوله" ره "تاپیک سنون  
عظیم زارتن و جاش ویا سدار در  
زمستان ۵۹ افتخار آفرین بود. در  
این درگیری رفیق پس از آن که تا  
آخرین فشنگ مقاومت میکند در  
حالی که بر اثر آماج گلوله (یکی  
به سر و دیگری به رانش) زخمی  
گردیده و همراه ۴ رفیق دیگر در محاصره  
دشمن قرار گرفته بود، وصیت نامه ای  
که به خوش آغشته شده بود مینویسد.  
این وصیتنامه که بعد از زینت بخش  
صفحات نشریه پیکار ۱۳۴۰ آبان نیز  
گردید عمق کینه طبقاتی وی را  
نسبت به دشمن و عتقش را به آرمان  
پرولتاریا نشان میداد. او در لحظاتی  
که سگرتن آماج گلوله های دشمن  
بود و او آخرین فشنگ را برای خود  
نگه داشته بود، در دفترچه خون-  
آلودش نوشت:

..... دشمن به ما رحم نمیکند  
ما هم نباید به دشمن رحم کنیم.  
مبارزه طبقاتی یعنی بی رحمی به  
دشمن. من افتخار میکنم که مرگم  
در خدمت آزادی طبقه کارگر و  
بقیه در صفحه ۱۶

# شهادت سه رفیق پیشمرگه قهرمان در کامیابان، برگزیدگی از جنایات حزب دمکرات و مزدوران زرگاری:

خلق کرد در مبارزه قهرمانانهاش در دو سال و نیم اخیر، فقط دشمنان آشکار و پنهانی نظیر رژیم جمهوری اسلامی را در برابر خود ندانداشته است، بلکه دشمنان دوست نمائشی که در صفوف وی رخنه کرده اند، نیز همواره خنجریدست، آماده وارد آوردن ضربه بر پیکر خونین اما استوار این خلق دلیر بوده اند. حزب دمکرات کردستان، در پوشش طرفداری از منافع خلق کرد همواره مترصد وارد آوردن ضربه جدیدی بر جنبش انقلابی کردستان، بوده است و این ضربات را به اشکال مختلف و بویژه در لحظات حساس و خطرناکتر آن وارد آورده است. جنایات مزدوران این حزب در کردستان نسبت به نیروهای کمونیست و نمائندگان واقعی جنبش انقلابی کردستان،

کوشه‌های از این ضدیت دیرینه طبقاتی "حزب" نسبت به منافع کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم و نیروهای آگاه کمونیست را به نمایش میگذارد. همین یکسال پیش بود که این حزب در بوکان بنا نهادن جمعی از انقلابی‌اش به مقر سابق در این شهر، ۳۰ رفیق قهرمان ما را به شهادت رسانید، تعداد زیادی را دستگیر نمود (که بعداً تحت فشار توده‌های خلق کرد و نیروهای انقلابی آزاد گردیدند) و اموال مقرر را به غارت برد. و اکنون آخرین و تازه‌ترین خیانت و جنایت این حزب در مقابله و ضدیت با نیروهای انقلابی کمونیست در کردستان، تحمیل یک درگیری مسلحانه سه به همراه فدا انقلابیون زرگاری، سه ما و زلفای کومله در منطقه کامیابان

بود که منجر به شهادت ۳ رفیق پیشمرگه از سازمان ما و چند رفیق پیشمرگه از کومله گردید. این جنایتی که قهرمانان به همراه دیگر پیشمرگه‌های دلاور دوسالمان با مقاومت و تعرض متقابل خود در برابر یورش فدا انقلابی این جنایتگاران مقدس، نشان دادند که در برابر هر تهاجمی به منافع خلق کرد و از آن جمله نیروهای انقلابی واقعی جنبش مقاومت، قهرمانان استادگی مینمایند. رفیقهای پیشمرگه شهید، رفیق زرگاری شیخ - الاسلامی، رفیق ارسلان خلیلی و رفیق اسدملواتی، سه رفیق بودند که در این نبرد قهرمانانسه مقاومت کردند، جنگیدند و سرانجام جان باختند. یادورا هسان گرامسی باد.



رفیق پیشمرگه شهید  
کاک اسدملواتی

رفیق اسد در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده کارگری در سنندج بدنیا آمد. تعلیمات فکری و تکنیکی خانواده رفیق در حین تحصیلاتش از طریق کتابخوانی و سخنرانی از طرف خانواده رانامین میکرد و بدین جهت از نزدیک با دردورنج زحمتکشان که خود از زمان آنها برخاسته بودند آشنا بود. رفیق اسد با اوچگیری مبارزات خلقهای ایران در سال ۵۶ بنا مسائل سیاسی آشنا شد و در تظاهرات و راهپیمایی قبل از قیام علیه رژیم حسلادیلوی نقش فعالی داشت و نیز یکی از پیشاهنگان جنبش دانش آموزی در سنندج بود. عشق و علاقه بی پایان رفیق به زحمتکشان وی را وادار میکرد که هر چه بیشتر به آنها نزدیک شود و به میان آنان برود و یکدم زکار

آگاهان در میان آنان کوتاهی نمیکرد. بعد از قیام بدنبال اوچگیری مبارزات زحمتکشان کردستان رفیق همچنان به مبارزات خود ادامه داده و در راهپیمایی مردمسنندج بطرف بیرون نقش فعالی داشت. هنگام یورش فدا انقلابی رژیم به کردستان در مردادماه ۵۸ مقاومت انقلابی خلق کرد، رفیق در شرایط خفای رژیم در شهرها به ضرورت همه - های نظامی پی برد و با کمک دوستانش در شب گذاری مراکز جاشها شرکت فعالی داشت و در ادامه آن در حمله به استانداری که محل استقرار مزدوران بود رفیق فعالانه شرکت نمود. بعد از شکست رژیم در یورش خود و با زین گرفتن شهرها رفیق در ادامه فعالیت خود به ضرورت کار تشکیلاتی پی برد و در این رابطه با قبول خط مشی سیاسی و تشکیلاتی سازمان پیکار با هواداران سازمان تماس گرفت و بطور علنی در دفتر سازمان در سنندج به مقاومت پرداخت. سپس بنا به درخواست خود و عشق و علاقه فراوان به کار پیشمرگه‌ای به صفوف پیشمرگان سازمان پیوست. بعد از مدتی رفیق بنا به یک وظیفه تشکیلاتی به همراه دسته‌ای از پیشمرگان به سقز اعزام گردید، انتقال رفیق همزمان بود با درگیری شهر سقز که رفیق همراه با پیشمرگان سازمان و مردم مسازر شهر به مقاومت در برابر تهاجم مزدوران رژیم پرداختند. بعد از تخلیه شهر توسط پیشمرگان بعد از مدتی به منطقه کامیابان منتقل گردید و در آنجا هم در درگیریهای

نظامی شرکت فعال مینمود. رفیق یکی از پیشمرگان جسور و شجاع سازمان بود که همواره در مقدم صحنه بود و در ضمن رفیق مخصوصاً در عملیات تاراجک اندازی مهارت خاصی داشت. توانائیهای رفیق و عشق و علاقه او به زحمتکشان موجب شد که سازمان در شهریورماه ۵۹ وی را بنا به یک وظیفه تشکیلاتی به بلوچستان بفرستد. و در آنجا رفیق در مبارزات خلق بلوچ شرکت نموده و به ارتقاء نظامی هواداران و عناصر تشکیلاتی سازمان پرداخت و پیوند عمیقی با زحمتکشان برقرار نمود. رفیق در بلوچستان با اسم مستعار "حسین" فعالیت مینمود. بعد از ۸ ماه رفیق دوباره به کردستان بازگشت و در منطقه کامیابان به فعالیت مبارزاتی خود ادامه داد و به فعالیت توانائیهای که داشت در یکی از حوزه‌های سازمان سازماندهی شد، بطوریکه چشم انداز نزدیک آینده عضویت را داشت. خصوصیات انقلابی رفیق درس و تجربه‌ای بود برای دیگر رفقای پیشمرگه‌ها بوده‌ای، کارآگاهان با توده‌ها و ستانتهای پهلوانی رفیق همواره زبا نزدیک رفیق بود. صداقت، جسارت و خستگی ناپذیر بودن رفیق در امر مبارزه، برخورد انقلابی به انتقادات خویش موجب شده بود که رفیق در میان دوستانش چهره محبوبی به خود بگیرد. هنگام شروع درگیری سازمان مزدوران زرگاری - دمکرات در منطقه کامیابان رفیق یکی از پیشمرگانی بود که همواره روحیه تعرضی داشت و خواهان پاکسازی

بفرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بقیه در صفحه ۱۹